

جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان در آلمان

جشن بیست سالگی جنبش فدائیان

با شکوه تمام و با حضور جمع

در صحنه ۷ کثیری از ایرانیان برگزار شد.

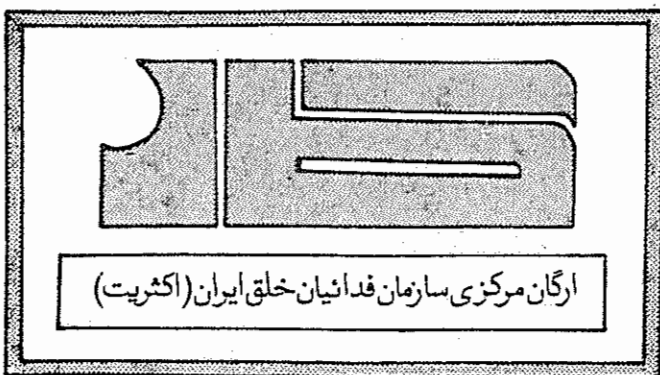
پیرامون طرح "منطقه امن" برای کردهای عراق

هنگام رای داده و انگلستان نتوانسته است در جریان جنگ خلیج جای پای خود را در منطقه محکم کند. آنها معتقدند که اگر تاجر بر سرکار بود تحت عنوان جلوگیری از سرکوب کردها در عراق در این کشور دست به دخالت فعالانه‌تری میزد. طرح میجر با استقبال فرانسه که مدتهاست می‌کوشد خود را مدافع حقوقی خلق کرد نشان دهد، مواجه شد. به دنبال آن دیگر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا بر روی این طرح توافق کرده و هیاتی را به واشنگتن فرستادند تا با آمریکا نیز در این زمینه به توافق برسند و در نهایت طرح را در شورای امنیت سازمان

بیت‌المعمود تروگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه برای تخصیص منطقه در خود عراق برای استقرار پناهندگان کرد تمهیدی بود برای جلوگیری از ورود کردهای آواره به ترکیه. ظاهراً ترکیه بدون بررسی همه جانبه، چنین طرحی را اعلام داشته بود. پس از این که دولت آنکارا پی برد این طرح ممکن است زمینه‌ای را برای تجدید قوای نیروهای کرد فراهم آورد، و خطری برای رژیم ضدکردی ترکیه باشد، از پیگیری آن دست برداشت. انگلستان به طرح ترکیه تبیین مشخصی داد. در شمال عراق باید منطقه‌ای در نظر گرفته شود که تحت کنترل سازمان ملل متحد باشد و ارتش عراق اجازه نیابد بدان وارد شده و به سرکوب کردها بپردازد. به نظر برخی از ناظران سیاسی ارائه چنین طرحی از سوی جان میجر نخست وزیر انگلیس دارای نوهی مصرف داخلی بود. در حزب محافظه‌کار انگلیس جناح نیرومندی وجود دارد که با کنار رفتن تاجر و روی کار آمدن میجر مخالف بوده‌اند. اینان به میجر انتقاد می‌کنند که به پایان جنگ علیه صدام حسین زود

پیشنهاد تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه برای تخصیص منطقه در خود عراق برای استقرار پناهندگان کرد تمهیدی بود برای جلوگیری از ورود کردهای آواره به ترکیه. ظاهراً ترکیه بدون بررسی همه جانبه، چنین طرحی را اعلام داشته بود. پس از این که دولت آنکارا پی برد این طرح ممکن است زمینه‌ای را برای تجدید قوای نیروهای کرد فراهم آورد، و خطری برای رژیم ضدکردی ترکیه باشد، از پیگیری آن دست برداشت. انگلستان به طرح ترکیه تبیین مشخصی داد. در شمال عراق باید منطقه‌ای در نظر گرفته شود که تحت کنترل سازمان ملل متحد باشد و ارتش عراق اجازه نیابد بدان وارد شده و به سرکوب کردها بپردازد. به نظر برخی از ناظران سیاسی ارائه چنین طرحی از سوی جان میجر نخست وزیر انگلیس دارای نوهی مصرف داخلی بود. در حزب محافظه‌کار انگلیس جناح نیرومندی وجود دارد که با کنار رفتن تاجر و روی کار آمدن میجر مخالف بوده‌اند. اینان به میجر انتقاد می‌کنند که به پایان جنگ علیه صدام حسین زود

مرز عراق و ترکیه: از دحام آوارگان برای دریافت تکه‌ای نان



چهارشنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۳۷۵ برابر ۱۷ آوریل ۱۹۹۱ دوره سوم شماره ۲

خلق کرد:

گرسنگی، ستم، مرگ، چه از این سو و چه در آن سو

کمک‌های بین‌المللی آنگونه که تاکنون جریان داشته، پاسخگویی نیازهای

ابتدایی آوارگان نیز نیست

است که ارتشیان ترک این کمک‌ها را به قیمت گزاف به آوارگان می‌فروشد. در ایران، وضعیت از ترکیه بهتر نیست. به ایران کمک‌های بین‌المللی کمتر می‌رسد، اما نکته شادی آوریاری

مردم است. مردم به‌ویژه در نواحی استقرار آوارگان از هیچ کمکی به آوارگان دریغ نمی‌ورزند.

در هفته گذشته مقاومت پیشمرگان کرد علیه ارتش صدام هم‌چنان ادامه داشته است. درگیری در اطراف شهر اربیل

بته در صحنه ۲

بیماری‌های ریوی و گرسنگی جان خواهند باخت. ابتلا به بیماری‌های وبا و تیغوس به سرعت در حال افزایش است. بارش برف و سرمای شدید بردرد و رنج آوارگان افزود. آوارگان به سرپناهی دارند و نه بالابوشی. گویا زمین و زمان جمدستی کرده‌اند تا ریشه خلقی را بسوزانند. چه در نواحی مرزی و در این سوی مرزهای ایران و ترکیه و چه در آن سو گرسنگی و ستم و سرکوب خنجر بر قلب خلقی نهاده است که حق حیات می‌خواهد.

کمک‌های بین‌المللی، آنگونه که تاکنون جریان داشته است، حتی برطرف‌کننده یک صدم احتیاجات اولیه آوارگان کرد نیست. کمک‌ها اندکند و دیر به دست آوارگان می‌رسند. در ترکیه بنا بر گزارش‌های متعدد کمک‌های بین‌المللی برای آوارگان کرد سراز انبارهای ارتش ترکیه درمی‌آوردند. بسیار دیده شده

بخواهد از مرز بگذرد با شلیک سربازان ترک مواجه می‌شود. ارتقاها مشرف به ترکیه به پناهگاه صدها هزار کرد آواره تبدیل شده است. آوارگان دسته دسته از گرسنگی، تشنگی، بیماری‌های مختلف و جراحی‌های ناشی از بیماریان ارتش عراق جان می‌سپارند. ۶۰ درصد آوارگان کودک و نوجوانند. بنا بر گزارش پزشکان تا چند روز دیگر هزاران تن از کودکان بر اثر ابتلا به اسهال،

رژیم عراق به کشتار خلق کرد ادامه می‌دهد. در روز پنج‌شنبه هفته گذشته (۱۱ آوریل) احزاب کردی در عراق اعلام کردند که هواپیماها و هلی‌کوپترهای جنگی ارتش عراق هم‌چنان بمب بر سر آوارگان کرد می‌ریزند و این در حالی است که آمریکا مجدداً به عراق اخطار کرده است که مجاز نیست جنگنده‌های خود را به پرواز درآورد. ترکیه مرزهای خود را به روی کردها بسته است. هرکس



مجاهدین خلق سکوت و جنجال

در صحنه ۳

سرکوب شیعیان در عراق ادامه دارد

بصره به شجر بیماری و گرسنگی و مرگ تبدیل شده است. مردم دسته دسته می‌میرند. کودکان همه بیمار و گرسنه‌اند. بیمارستان‌های شهر که همه نیمه ویرانند فاقد ساده‌ترین امکانات برای معالجه بیماراند. شهر در اشغال سربازان است. مقاومت مردم در هم شکسته شده، اما هنوز در خارج از شهر مقاومت‌های پراکنده ادامه دارد. دیگر شهرهای شیعه نشین وضعیت چندان بهتری ندارند. ارتش عراق کنترل مرزهای را در همه این شهرها اعمال کرده است. هرکس مظنون به مخالفت با رژیم باشد، دستگیر شده و یا در جادر خیابان تیرباران می‌شود. گفته می‌شود که ۷۰۰۰۰ شیعه عراقی به ایران گریخته‌اند.

پیرامون بازگشت پناهندگان به کشور

مسئله چیست

در صحنه ۵

حضور مجدد زائران ایرانی در مراسم حج

سعودی کردن نهاده است. از این رو معاون سازمان حج و اوقات اعلام داشت: آمار زائرانی که امسال به حج اعزام می‌شوند، در مقایسه با سال ۶۶ از حدود یک سوم کاهش برخوردار است و ما مجبور شده‌ایم از همه واحدها کم کنیم. (اطلاعات - ۱۱ فروردین) تعداد زائرین امسال حدود ۱۱۰ هزار تن خواهد بود. روز دوشنبه گذشته خامنه‌ای طی حکمی سیداحمد خمینی را به

ناجعه رابطه سیاسی ایران و عربستان سعودی گسسته شد. مقامات ریاض پذیرش مجدد زائران ایرانی را مشروط به اجتناب آنها از برپائی تظاهرات و نیز کاستن از شمار ایرانیان شرکت کننده در مراسم حج کردند. آن زمان دولتمردان جمهوری اسلامی این شروط را به شدت و برای همیشه رد کردند. اما اکنون پس از نزدیک به چهار سال قطع روابط سیاسی، دولت ایران به شروط عربستان

به دنبال وقفه چند ساله حضور زائران ایرانی در مراسم حج، در سال جاری اعزام مجدد زائران از سر گرفته خواهد شد. آخرین بار که ایرانیان در مراسم حج شرکت داشتند، سال ۶۶ بود. آن سال بدنبال درگیری پلیس سعودی با دسته‌ای از زائران ایرانی که تحت عنوان "برائت از مشرکین" تظاهراتی با شعارهای ضد آمریکائی و ضد شوروی و ضد اسرائیلی برپا کرده بودند، بیش از ۴۰۰ تن کشته شدند. بدنبال این

۱۷ اسفندماه، باخشم این طرح را رد کرد و آنرا غیرقانونی شمرد. او گفت نمایندگانی که به این طرح رای موافق داده‌اند، خلاف نظر موکلین خود عمل کرده‌اند از اینرو آرایشان بی‌اعتبار است. آذری قمی چهره سرشناس جناح رسالت در نماز جمعه ۹ فروردین ماه از این هم فراتر رفت و نه فقط این طرح که کل مجلس را مورد حمله قرار داد و موضوع انحلال آنرا مطرح ساخت. لبه تیز حمله سخنگویان ائتلاف حکومتی این بار متوجه مهدی کروبی رئیس مجلس است که تا پیش از این کوشش می‌شد از حمله شدید هلنی به او به مثابه تهران در نماز جمعه

یافتن نمایندگی زیر نظر داشت. شورای نگهبان با بهره‌گیری از این امتیاز ویژه همواره کوشش برای ورود کاندیداهای مخالف جناح خود به مجلس، مانع ایجاد کند. جناح تندرو که اکنون اکثریت مجلس را در اختیار دارد و در موقعیت مخالف ائتلاف حاکم حکومتی عمل می‌کند، پیشاپیش اطمینان دارد که در انتخابات بعدی (سال ۱۳۷۱) از جانب شورای نگهبان با دشواری‌های زیادی روبرو خواهد شد. بدنبال تصویب کلیات طرح، مجادله جناحین از مجلس فراتر رفته و دیگر کانونها نیز در برگرفت، موحدی‌گرمانی نماینده تهران در نماز جمعه

با تصویب کلیات طرح اصلاحیه قانون انتخابات در مجلس در اسفند ماه، درگیری جناحی حکومتی رژیم جمهوری اسلامی شدت بیشتری گرفته است. این طرح توسط جناح تندرو و مجلس تنظیم شده است. این جناح در تنظیم طرح مزبور کوشیده است قانون انتخابات را بگونه‌ای اصلاح کند که نقش و نفوذ شورای نگهبان در انتخابات مجلس به حداقل برسد. مطابق مفاد طرح، نقش شورای نگهبان در انتخابات تنها ناظر بر صحت اجرای انتخابات در روز رای‌گیری است. در حالیکه پیش از این شورای نگهبان تمامی مراحل انتخابات را از تعیین صلاحیت کاندیداها تا قطعیت

رفسنجانی ساکت است

پس از تصویب کلیات طرح اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، تاجم تبلیغاتی گسترده‌ای علیه جریانات تندرو به راه افتاد. رسالت، بازار و تشری‌ترین محافل روحانیت کارگردان‌های اصلی این کارزار تبلیغاتی‌اند و حملات عمدتاً متوجه دو اصلاحیه است که در طرح مذکور پیشنهاد شده است.

اصلاحیه نخست حق نظارت شورای نگهبان بر انتخابات را به "نظارت بر برگزاری انتخابات" محدود می‌کند و اصلاحیه دوم خواستار آن است که در شرایط انتخاب شوندگان، "التزام عملی به اسلام" به "اعتقاد به اسلام" تبدیل شود.

در انگیزه تندروها بحثی نیست. آنها ضرب شصت شورای نگهبان را در جریان انتخابات مجلس خبرگان چسبیده‌اند و چون یقین دارند که بازی خبرگان، در انتخابات مجلس چهارم تکرار خواهد شد و ائتلاف مسلمانان طریق فیلتر شورای نگهبان راه ورودشان به مجلس را سد خواهد کرد، به فکر این اصلاحات افتاده‌اند تا شاید بتوانند، به اتکالی اکثریتی که در مجلس دارند، حربه شورای نگهبان را که در اختیار حریف است بی اثر سازند.

اما جدای از انگیزه پیشنهاد دهندگان، اگر این اصلاحات صورت قانونی بیاید، اولاً دست شورای نگهبان را که قانون اصلی قدرت تشری‌ترین بخش روحانیت است تا حدودی می‌بندد و آن را ملزم می‌سازد که تنها بر برگزاری انتخابات نظارت کند و نه بر روند انتخابات (که مرحله تعیین صلاحیت کاندیداها را هم در بر می‌گیرد) تأثیر بجا بگذراند. "التزام عملی به اسلام" یا "اعتقاد به اسلام" و تبدیل مواردی نظیر "اشتغال به ناسد" به اموری حقوقی که تنها در صورت اثبات در محاکمه قضائی، قابل استفاده است، دامنه شمول انتخابات را گسترش می‌دهد و از امکانات شورای نگهبان، وزارت کشور و جرارگان نظارت کننده دیگری که تعیین گردد، برای حذف خودسرانه کاندیداها خواهد کاست.

خصلت دوگانه اصلاحات پیشنهادی، رفسنجانی را در بن بست قرار داده است. او نمی‌تواند به مخالفت آشکار با آن برخیزد، چرا که آنچه را برای چهره نمائی به عنوان "میرکبیر" به زحمت رشته است، پنبه خواهد کرد. در همین حال او قادر به دفاع از این اصلاحات نیست. زیرا تحقق آنها، موانع جدی در مقابل سیاست "خنثی کردن تندروها" که از عناصر مرکزی خطمشی هم می‌آید، ایجاد می‌کند.

رفسنجانی حداقل در تعادل قوای فطری ترجیح می‌دهد که انتخابات با قانون سابق برگزار شود و تندروها از آخرین سنگر مهمی که هنوز در تصرف دارند، پس‌رانده شوند. وی امیدوار است که محافل تکنوکرات و بوروکراتی که به او چشم امید دارند، موقعیتش را درک کند و انتظار پشتیبانی از اصلاحاتی را نداشته باشند که تندروها مبتکر و بهره‌بردار اصلی‌اند.

اگر آتش‌بازی سنگین جناح راست افراطی که با شعار، "واشربتا" جریان دارد، به نتیجه مطلوب نرسد و جزئیات طرح مذکور نیز از تصویب مجلس بگذرد، آنگاه یکبار دیگر او این بار بر سر مسئله‌ای که برای طرفین اهمیت حیاتی دارد - مجلس و شورای نگهبان به سختی رو در رو خواهند شد و در صورتی که مسئله به مجمع تشخیص مصلحت‌ها حل نشود، ادامه سکوت برای رفسنجانی باز هم دشوارتر خواهد شد.

تجربه خبرگان اگر برای خامنه‌ای چندان خوشایند نبود، برای رفسنجانی ثمرات خوبی داشت. آیا او نخواهد کوشید تا یکبار دیگر آن تجربه را تکرار کند و با پیش‌انداختن خامنه‌ای و دزدیدن سر خود، این بار هم از جیب ولی فقیه به سود ریاست جمهوری، فرج کند؟ و آیا تجربه خبرگان برای خامنه‌ای این اندازه آموزنده بوده است که اجازه جیب‌بری مجدد را به رفسنجانی ندهد؟

اگر رفسنجانی موفق شود که این بار هم خامنه‌ای را به پرچمدار مقابله با تندروها بدل کند و مخالفت با اصلاحات را هم به حساب او واریز نماید، عملاً خامنه‌ای را از "رهبر نظام" به یکی از طرفین دعواتنزل می‌دهد و عملاً در جهت تحقق آرزوی خود مبتنی بر انتقال و طیفه "حرکت ماورا" درگیری‌ها که در ساختار نظام هر فادر انحصار ولی فقیه تشریف شده است، از بیت خامنه‌ای به کاخ ریاست جمهوری پیش می‌رود.

این واقعیت که در دور جدید جنگ قدرت، پای "اسلام" مستقیماً به میان کشیده شده، خامنه‌ای را به مثابه "ولی فقیه" و "پاسدار کیان اسلام" بیش از پیش در تنگنا قرار می‌دهد و او را ناگزیر می‌کند که دیر یا زود موضعش را روشن کند و این همان چیزی است که به رفسنجانی امکان می‌دهد تا در مراحل نهائی نیز، با آرامش خاطر به سکوت ادامه دهد.

◀ بقیه از صفحه اول

ولایتی:

حضور مجدد زائران ایرانی در مراسم حج

نمایندگی در امور حج منصوب گردید و مهدی کروبی را که سابقاً در این امر بود از کار برکنار کرد. در اعتراض به موافقت رژیم جمهوری اسلامی با شروط دولت عربستان سعودی مبنی بر اجتناب از برپائی تظاهرات، قمی نماینده مجلس اسلامی طی سخنانی در مجلس اظهار داشت: مراسم راهپیمائی برائت از مشرکین به همان شکوه و کیفیت سابق امری نیست که مذاکره و گفتگو بپذیرد. سفارت ایران در ریاض روز ۱۲ فروردین ماه بازگشائی گردید.

◀ بقیه از صفحه اول

خلق کرد؛ گرسنگی، ستم،

همچنان شدید است. پیشمیراث از شکل گروههای بزرگ به شکل دسته‌های پارتیزانی کوچک

◀ بقیه از صفحه اول

پیرامون طرح "منطقه امن برای کردهای عراق"

می‌تواند به تجزیه عراق منجر شود.

احزاب کردی در عراق از طرح منطقه امنیتی استقبال کرده‌اند و خواهان آنند که این طرح در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شده و به تصویب برسد. آنها به

درستی اضافه می‌کنند که منطقه امنیتی باید شامل کل منطقه کردنشین عراق شود. اگر قرار باشد منطقه زیر کنترل آمریکایی‌ها و ترکها و احیاناً انگلیس و فرانسه باشد، فرصت

مقتضی برای صدام حسین پدید خواهد آمد تا سیاست ویران ساختن روستاهای کردنشین خارج از این منطقه را با خیال راحت پیش برد و شهرهای کردی را کاملاً هربی کند. استقبال

کردها از نفس‌ایجاد منطقه امن در کردستان عراق درست است. اما روشن است که در چنین منطقه تحت کنترلی، احزاب کردی قادر

به ایفای نقش رهبری کننده خود نخواهند بود. آنها مطلقاً نباید دچار این توهم شوند که چنین منطقه‌ای عملاً مترادف با وجود

یک کردستان خودمختار خواهد بود. آمریکا، انگلیس، فرانسه و ترکیه اگر به پای ایجاد منطقه امنیتی بروند با تمام قوا سعی خواهند کرد که بدان آن چنان حالتی بدهند که کردها خود نتوانند اداره آن را به دست گیرند. آنها در بهترین حالت، منطقه‌ای را برای استقرار اردوگاههای آوارگان کرد در نظر می‌گیرند، دور آن حصار می‌کشند و بدین ترتیب زیر عنوان انساندوستی جنبش آنها را

مجاز می‌کنند. خلق کرد حق حیات می‌خواهد. حق حیات برای یک خلق در درجه نخست یعنی حق زندگی در سرزمین آبا و اجدادی. کل منطقه کردستان عراق باید به عنوان منطقه امن برای

ملل به بحث گذاشته و زیر چتر این سازمان زمینه اجرای آن را فراهم آورند. آمریکا ظاهراً با روندی که بازار مشترک برای اجرای طرح در نظر گرفته موافق نیست و بیشتر بدان گرایش دارد که عراق را از اقدام نظامی در شمال مدار ۳۶ درجه که بخشی از کردستان عراق را در بر می‌گیرد بازدارد.

دولت بغداد شدیداً با طرح منطقه امنیتی برای کردها مخالفت کرده و آن را دخالت در امور داخلی عراق توصیف کرده است. موضع جمهوری اسلامی نسبت به این طرح عمدتاً گرایش به رد آن است. علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در یک مصاحبه تلویزیونی بابی‌بی‌سی در روز ۲۶ فروردین در این مورد گفت: "ما

معتقدیم که عراق به عنوان یک کشور مستقل باید پابرجا بماند. در همین حال باید محیطی امن برای پناهندگان کرد عراق در شمال و مکانی امن برای شیعیان عراق در جنوب این کشور به وجود آید و چنانچه

این گونه راه‌حلها از سوی سازمان ملل آرایه شود، می‌تواند بیشتر مورد توجه و بررسی قرار گیرد." به گزارش رادیو آمریکا نماینده انگلستان با کمال خرازی

نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد ملاقات کرده و کوشیده است به وی بقبولاند که "طرح منطقه امنیتی" به معنی ایجاد یک کردستان خودمختار در عراق نیست، این طرح اهداف سیاسی در پی ندارد و فقط یک

ایده انساندوستانه است! در روز پنجشنبه ۲۲ فروردین حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان اعلام کرد جمهوری اسلامی با چنین اقدامی که "برای یک اقلیت یا یک طبقه از مردم عراق" صورت می‌گیرد، مخالف است. وی گفت "این امر

در صورت درخواست سازمان

ملل هواپیماها را پس می‌دهیم

هواپیمایی که از سوی منابع غربی اعلام شده نادرست است و تنها ۲۲ هواپیما در طول جنگ به ایران فرار کرده‌اند. ولایتی گفت: به عقیده ما این هواپیماها متعلق به عراق است و اگر البته سازمان ملل از ما بخواهد ما آنها را به عراق باز می‌گردانیم.

پاسداران در لبنان باقی می‌مانند

بیروت، ۱۲ آوریل، خبرگزاری آسوشیتدپرس: فرمانده پاسداران ایرانی مستقر در شرق لبنان اعلام کرد که نیروهای وی در لبنان باقی خواهند ماند. حکومت لبنان تصمیم گرفته است که همه گروه‌های مسلح راه‌چه داخلی و چه خارجی، تا پایان ماه آوریل برچینند و در کشور آرامش برقرار کند. پاسداران ایرانی که ۲۰۰۰ نفرند، در دره بقاع که زیر کنترل سوریه است، مستقرند. اینان در سال ۱۹۸۲ پس می‌مانند.



یک دختر بچه کرد، شاید تاکنون گرسنگی و بیماری او را از یاد آورده باشد.

رفته‌های اخیر بارها اعلام کرده است که خواهان از هم پاشیدن دولت مرکزی در عراق نیست و خلأی را که بر اثر تجزیه قدرت در عراق پدید می‌آید، با منافع استراتژیک خویش در منطقه همخوان نمی‌بیند. بر اساس همین فاکتورها باید به نقش آمریکایی‌ها برای کردستان با بدبینی کامل نگریست. نیروهای کرد، به بهای قربانی‌های بسیار، این موفقیت را یافته‌اند که مساله کرد را به مساله‌ای بین‌المللی تبدیل سازند. باید از این فرصت هوشیارانه بهره گرفته شده و به هیچ رو به طرح‌هایی که غیرمبتگاه آنها، نه دفاع از خلق کرد بلکه مطامع سیاسی قدرتهای بزرگ است، گردن نهاده نشود.

کردهای عراق از سوی مراجع بین‌المللی به رسمیت شناخته شود. این منطقه باید صریحاً منطقه خودمختار کرد نام گیرد و اداره آن به خود کردها سپرده شود. آمریکا مخالف خودمختاری کردهاست. واشنگتن که اکنون با دادن معامله‌ای بین اسرائیل و رژیم‌های عرب است و می‌خواهد ضمن حفظ اتحاد استراتژیک خویش با اسرائیل، رژیم‌های عرب را نیز تحت قیمومت خویش درآورد، خودمختاری کردها را انگیزه‌ای برای رنجیدگی رژیم‌های عرب از خود می‌داند و بعلاوه می‌ترسد از این طریق خاطر ترکیه را نیز مشوش سازد. آمریکا در

◀ بقیه از صفحه اول

قانون انتخابات عرصه تازه‌ستیز

دولتمردان جمهوری اسلامی

آذری قمی: مجلس را منحل کنید!

احمدی، نماینده مجلس:

آذری قمی را اعدام کنید!

موسوی‌لاری بود که طی یک سخنرانی جنجالی، آشکار و بی‌پرده اعلام داشت انگیزه تنظیم طرح، محدود کردن شورای نگهبان بوده است. با شدت یافتن درگیری، اکنون کار به آنجا رسیده است که حتی یکی از نمایندگان مجلس (احمدی از الیگودرز) افرادی مثل آذری قمی را تفرقه‌افکن نامیده و درخواست کرده "حکم اعدام چنین تفرقه‌افکنانی" صادر شود. جناح تندرو با وجود اینکه با تجدید انحلال مجلس موافق است، هنوز چیزی از آشتی جوئی با جناح حاکم نشان نداده است و ظاهراً قصد تصویب نهائی طرح اصلاح قانون انتخابات را دارد و آنرا برای بقای خود حیاتی میدانند. این طرح در صورت تصویب بیگمان با وتوی شورای نگهبان روبرو خواهد شد و نهایتاً کار به مجمع تشخیص مصلحت نظام کشیده خواهد شد. در ستیز میان جناحهای حکومتی روزهای داغتری در پیش است.

رئیس قوه مقننه اجتناب شود. مریم بهروزی نماینده تهران در مجلس گفت کروبی نه رئیس مجلس که تنها رئیس یک جناح است. پیش از این نیز جامعه مدرسین قم طی نامه‌ای به کروبی کارکردی را به شدت تنبیه کرده بود. علاوه بر این اعلامیه‌ها و جزوات فراوانی نیز در رد و نفی نمایندگان و رئیس مجلس پخش شده است. از جمله آنها اعلامیه گروهی از بازاریان تهران است که مضمونش به گفته موسوی‌لاری نماینده مجلس و عضو جناح تندرو "نخست‌نامه علیه رئیس مجلس" بوده است.

تعرض تند مدافعین شورای نگهبان علیه اکثریت مجلس نتوانسته است آنان را به عقب‌نشینی وادارد. آنها با بهره‌گیری از تریبون مجلس و مجالس سخنرانی ماه رمضان و نیز با استفاده از نفوذ حضور خود در مطبوعات به حمله متقابل پرداخته‌اند. از جمله آنها

يك وظیفه انسانی!

مهم وطن!

ناجعه‌ای تکان دهنده در مرزهای غربی کشور ما در جریان است. صدها هزار انسان دردمند، گرسنه و سرمازده به خاطر فرار از بمبارانهای وحشیانه دیکتاتوری جنایتکار به سوی میهن ما روی آورده‌اند. سیل بی‌پناهان کرد عراقی هم چنان بسوی مرزهای کشورمان روان است. بنابه آخرین گزارشها تعداد پناهندگان به ایران از مرز یک میلیون تن گذشته است و هنوز صدها هزار تن در پشت مرزها، در دامنه کوهها و در شیارهای تپه‌ها، در میان برف و باران و بر زمینهای مرطوب و گل‌آلود، برهنه و با پایهای خسته و خون‌آلود منتظرند و گروه گروه انسانها نیز بسوی مرز در حرکت هستند. وضعیت این توده عظیم گرسنه و بی‌سرپناه ناجعه‌بار است. سرمای شدید، بارندگی و برف، گرسنگی و خستگی به مرگ بسیاری از پناهندگان انجامیده و چنان هزاران تن دیگر را در خطر قرار داده است. انواع بیماریهای واگیر و عفونی شیوع پیدا کرده. مادران با چشمانی اشکبار فرزندان خردسالی را که از گرسنگی و سرما از دست می‌روند، در زیر خاک، در پشت سر به جای می‌گذارند.

آنان که از مرز گذشته‌اند نیز بی‌پناهند جمعیت شهرهای تفرین و...

ناقد امکانات مرزی کشور به چندین برابر رسیده است. تا یک هفته پیش

وضعیت پناهندگان کرد در ایران

وضعیت وخیم است، هرچند که در آنجا اندکی به آوارگان کمک رسانده می‌شود. در خوی ۳۰۰۰۰ آواره هر روز در انتظار ساهت تقسیم نمانند. ازدحام تقسیم نان را با مشکل مواجه می‌کند. برای خوردن چیزی به جز نان موجود نیست. اردوگاه ناقد منبع آب است. دو کامیون دارای مخزن آب تنها امکان موجود برای آبرسانی به آوارگان است. آوارگان در طی روز روی زمین نشسته و با هم سخن می‌گویند. معروف احمد یک پزشک

تنها یکصد هزار نفر به شهر کوچک سر دشت پناه برده بودند. وضعیت همه شهرهای مرزی چنین است. مدارس، محلهای عمومی و حتی اماکن غیر مسکونی و غیر بهداشتی، هر جا که دیواری بالا رفته و سرپناهی وجود داشته، مملو از انسانهاست و هنوز انبوهی از جمعیت در کوچه‌ها و خیابانها سرگردانند. همه گرسنه، همه سرمازده، همه خسته.

حکومت اسلامی رسماً اعلام کرده که قادر به تامین نیازهای ابتدایی پناهندگان نیز نیست. دولتهای شروتمند به دلیل محاسبات سیاسی و روابطشان با جمهوری اسلامی، کمکهای ناچیزی به پناهندگان مستقر در ایران اختصاص داده‌اند و این انبوه انسانی را قربانی سیاست بازیهای خود ساخته‌اند. جمهوری اسلامی که ناگهان به یاد زلزله زدن و سیل زدن افتاده، بودجه ناچیزی برای پناهندگان اختصاص داده است. به هر طریق که می‌توانیم توجه انساندوستان جهان را به این فاجعه جلب کنیم و فشار برای مجبور ساختن دولتها به کمکهای موثر برای پناهندگان را افزایش دهیم.

وظیفه انسانی خود را فراموش نکنیم. کمکهای مستقیم ما هر چند در برابر ابعاد عظیم نیازها ناچیز باشد، اما چه بسا جان کودکی را نجات دهد. به یاری پناهندگان و آوارگان بشتابیم.

مصری است. او نیز همراه با آوارگان از عراق به ایران آمده است. او می‌خواسته است بیماران خود را همراهی کند. او می‌گوید: "من می‌توانستم با خانواده‌ام بیایم، اما فقط کیف پزشکی‌ام را به همراه برداشتم. عاقبت چه خواهد شد؟"

مصیبت، ترس و بعضاً نشانه‌های خشم هویدا است، "خشم چه علیه صدام و چه علیه آمریکا، که آنها را به قیام فرا خواند ولی تالشان گذاشت."

بیش از يك مليون کرد از عراق به ایران پناهنده شده‌اند

همراه با افزایش سیل‌آسای موج پناهندگان کرد عراقی به ایران، دولت جمهوری اسلامی به جامعه جهانی و سازمان ملل متحد اعلام کرد که توانایی یاری رساندن به یک میلیون پناهنده کرد به ایران را، که دائماً بر شمار آنان افزوده می‌شود، ندارد و از جهانیان درخواست کمک کرد. روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه علی‌اکبر ولایتی در دیدار با روسای نمایندگی‌های کشورهای خارجی در تهران، ضمن اشاره به عدم توانایی جمهوری اسلامی در پاسخگویی به نیازهای پناهندگان، این مسئله را نه یک مسئله مربوط به ایران، بلکه مسئله‌ای جهانی خواند و خواستار کمک کشورهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی گردید. هم‌زمان با آن جمهوری اسلامی تلاشهای وسیعی را برای دریافت کمکهای خارجی آغاز کرد. کمال خرازی نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، هفته گذشته دوبار با دبیرکل ملل متحد دیدار کرد و درخواست جمهوری اسلامی مبنی بر ارسال کمکهای بین‌المللی را به ایران به اطلاع اورساند. جواد منصورى سفير حكومت اسلامى در پاکستان روز ۲۱ فروردین اعلام کرد که ایران حاضر است از هر کشوری، حتی

بین‌المللی را آزاد اعلام کرد. این منابع روز جمعه از قول مقامات صلیب سرخ ایران گفتند جمهوری اسلامی به آمریکا اجازه داده است. هواپیماهای ایرانی برای ارسال کمک در روز ۵شنبه حسین موسویان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، میزان کمکهای مورد احتیاج این کشور را در حدود ۳۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. خانم اوگاتا نماینده کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان که روز جمعه به ایران و ترکیه سفر کرد، گفت که برنامه‌ای برای اختصاص ۴۰۰ میلیون دلار به ایران و ترکیه جهت کمک ۳ ماهه به ۱/۵ میلیون پناهنده، در دست بررسی است. رئیس سازمان جهانی مواد غذایی نیز روز جمعه اعلام کرد که مواد غذایی کلیه پناهندگان ایران و ترکیه در ۳۰ روز آینده (حدود ۱۰۰ هزار تن) را تامین خواهد کرد. دولت فرانسه از اختصاص یک بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری برای کمک به ایران و ترکیه خبر داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پس از دیدار وزیر مشاور در امور انسان دوستان کشور فرانسه، جمهوری اسلامی و فرانسه بر یک طرح ۴ ماده‌ای کمک توافق کردند. مطابق این طرح با کمک فرانسه ۸۰۰ تن مواد غذایی و کالاهای

مجاهدین خلق سکوت و جنجال

در جریان رویدادهای اخیر عراق، رژیم جمهوری اسلامی از تضعیف رژیم صدام و از گسترش جنبش اعتراضی مردم عراق بهره گرفته و برای تحقق اهداف خود که برقراری جمهوری اسلامی در عراق و سرکوب نیروهای مخالف جمهوری اسلامی آن سوی مرز ایران است، به تبلیغات گسترده و اقدامات معین دست یازید که با عکس‌العمل دولت عراق روبرو شد.

سازمان مجاهدین خلق و در پی آن مطبوعات غربی اعلام کردند که رژیم جمهوری اسلامی برای ضربه زدن و از بین بردن پایگاه‌های نظامی مجاهدین، نیروهای مسلح خود را به خاک عراق فرستاده است. مجاهدین خلق اعلام کردند که در یک ماه گذشته بیش از ۴۰۰ مجاهد بدست پاسداران کشته شده‌اند. آنها گفتند که در یک ضربه موفق شده‌اند به چند لشکر و تیپ پاسداران در حوالی شهر خاتقین عراق ضربه خرد کننده وارد آورند و ۱۵۰۰ نفر از پاسداران را کشته و عده زیادی از آنها را مجروح نمایند. گفته مجاهدین خلق رژیم جمهوری اسلامی از حوالی ۲۰ اسفند ۶۹ دست‌اندر کار این عملیات بوده و نیروهای خود را در پادگان قلعه شامین سرپل ذهاب متمرکز نموده و سرانجام از چند محور به مجاهدین حمله برده است.

جمهوری اسلامی هم این درگیری را تایید کرد و اعلام نمود که: "گروهی از منافقین که قصد نفوذ به خاک جمهوری اسلامی را داشتند با نیروهای نظامی مستقر در شمال منطقه قصر شیرین درگیر شدند و ضمن تار و مار کردن منافقین تعداد زیادی از آنان را به هلاکت رسانده و گروهی را نیز به اسارت درآوردند."

سازمان مجاهدین در مورد این درگیری اطلاعیه‌های متعددی صادر کرده و مصاحبه‌های مطبوعاتی برگزار نموده و لیستی از اسامی ۱۵۰ نفر از پاسداران ایرانی را که در این درگیری به قتل رسیده‌اند اعلام نموده است. مجاهدین خلق دفع حمله پاسداران را موقفیت بزرگی برای نیروهای نظامی خود به حساب آورده‌اند، آنها از وقوع این درگیری بهره جسته و سعی نمودند با بزرگ جلوه دادن درگیری و گسترش تبلیغات پیرامون آن، عدم حضور فعال خود را در طی چند ماه اخیر جبران نمایند و نشان دهند که مجاهدین بعد از جنگ خلیج و جنبش اعتراضی مردم عراق، موجودیت نیرومندی دارند و علیه رژیم جمهوری اسلامی قویا مبارزه می‌کنند.

جنگ خلیج، حرکت اعتراضی مردم عراق و وقوع درگیری بین مجاهدین و پاسداران، بار دیگر سئوالات متعددی را در مورد وضعیت سازمان مجاهدین و سیاست‌های آن پیش آورده است. صدام حسین در سال گذشته با زور و قلدری کویت را اشغال کرد و وضعیت بحرانی را در منطقه و

محکومیت کوپر حدود پنج سال بود!

آزادی ناگهانی راجر کوپر از زندان در حالیکه قریب دو هفته پیش از آن رئیس قوه قضائیه آزادی احتمالی وی را به شدت تکذیب کرده بود، قوه قضائیه رژیم جمهوری اسلامی را دچار مخمصه سختی کرده است. خبرنگار کیهان در تماس با یکی از مسئولین قوه قضائیه علت آزادی راجر کوپر را باتوجه به سخنان اخیر یزدی مورد سؤال قرار می دهد. در پاسخ، مسئول قوه قضائیه انجام هرگونه معامله سیاسی را تکذیب می کند و مدعی می شود آزادی

تحصن در برابر کاخ ریاست جمهوری

چهران را امتداد دهد. سکنه خیابان نواب صنوی قیمت گذاری خانه هایشان را غیرمنصفانه و یکطرفه می دانند. آنها می گویند با خسارت پرداختی شهر داری قادر به تامین مسکن مشابهی نخواهند شد. ازینرو بدرستی مطالبه می کنند که بجای پول خانه ای مشابه به آنها داده شود. تحصن یازدهم فروردین ماه، سومین تحصن معتز ضین طی دو هفته بود.

انتشار گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸

نتوانست به ۲۱/۴ درصد رشد پیش بینی شده در برنامه برسد. در سال ۶۸ صنایع واسطه ای و سرمایه ای تنها ۶/۲ درصد رشد کردند. در حالیکه طبق برنامه می بایست صنایع واسطه ای ۲۰ درصد و صنایع سرمایه ای ۲۴ درصد رشد داشته باشند. در سال مذکور تنها ۱۱۶ هزار واحد مسکونی ساخته شد که حتی کمتر از رقم ۱۲۸ هزار واحد مسکونی ساخته شده در سال ۶۷ است. مطابق برنامه پنج ساله می بایست طی سال ۶۸، ۲۹۴ هزار واحد مسکونی ساخته می شد. گزارش اقتصادی سال ۶۸ رشد مجموع تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل بر حسب قیمت های سال ۶۷، ۲/۶ درصد برآورد می کند که فاصله زیادی با ۷/۹ درصد رشد پیش بینی شده دارد. برآورد فوق حتی اگر واقعی هم باشد بدین معنی است که رشد حاصله، از نرخ رشد افزایش جمعیت کشور نیز عقب تر مانده است.

گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸ از سوی سازمان برنامه و بودجه منتشر شده است. از آنجا که سال ۶۸ نخستین سال اجرای برنامه ۵ ساله کابینه رئیسان است، این گزارش می تواند چشم انداز روشنی از سرانجام این برنامه ارائه دهد. در گزارش فوق آمده است: بخش کشاورزی در سال مذکور از رشد بسیار اندکی به میزان ۸ درصد برخوردار بود که از رقم پیش بینی شده در برنامه پنج ساله بسیار کمتر است. تولید پارهای محصولات کشاورزی کاهش شدید نشان می دهد. از جمله از نظر وزن گندم ۲۲ درصد، چغندر قند ۳۳ درصد، نیشکر ۴/۷ درصد، حبوبات ۲۰ درصد، پیاز ۳۲ درصد و سیب زمینی ۴۹ درصد کاهش داشته اند. مطابق این گزارش از میان تولیدات اصلی کشاورزی، تنها تولید پنبه و دانه های روغنی از رشد خوبی برخوردار بودند. رشد ارزش در بخش نفت ۱۵/۸ درصد بود. این بخش با وجود بهبود بازار جهانی نفت در آن سال

ابهام در میزان افزایش بهای پروازهای خارجی

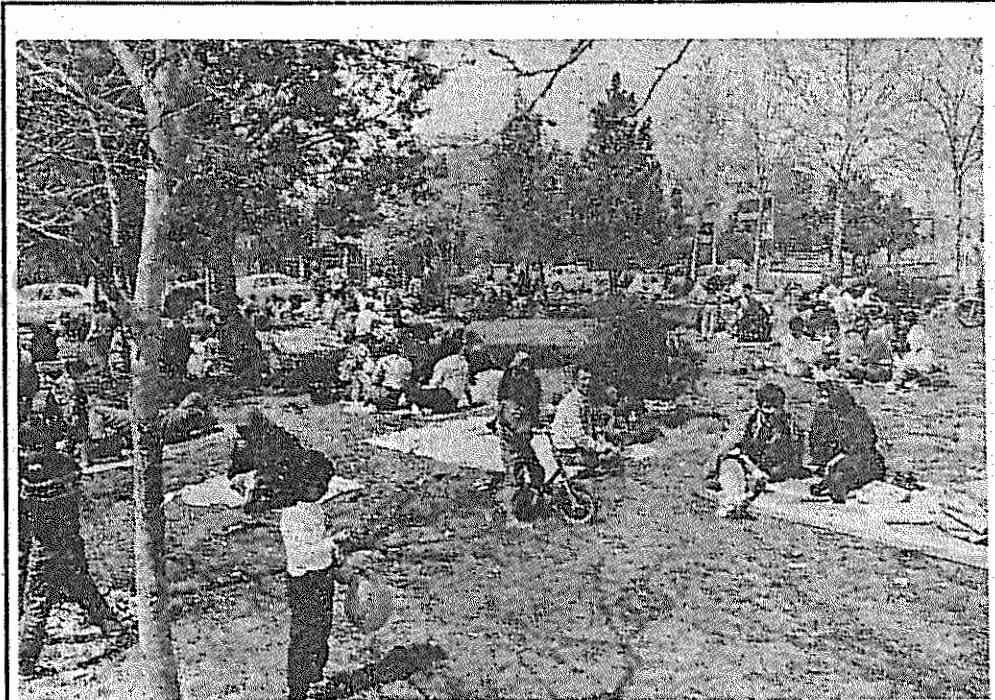
ایران آنرا غیر قابل اجرا دانست و متذکر شد که پرداخت چنین تخفیفی مقایسه عمدهات بین المللی (هما) و مقررات انجمن بین المللی حمل و نقل هوایی (یاتا) است. جلسه مشترک مسئولین سازمان برنامه و هما در روز ۱۴ فروردین نیز به بجای تیر دو نتوانست به اتخاذ یک تصمیم واحد بیانجامد. به نوشته روزنامه ها با مبهم ماندن میزان افزایش بهای بلیطه بلاتکلیفی و سرگردانی مسافران پروازهای خارجی ادامه دارد و هر روزه در دفاتر فروش بلیطه جر و بحث و کشمکش شدیدی میان متقاضیان و کارمندان دفاتر جریان دارد.

بدنبال افزایش بهای بلیطه پروازهای خارجی، شورای اقتصاد مقرر کرد هواپیمائی ملی ایران (هما) برای کلیه مسافران ایرانی ۴۰ درصد تخفیف قائل شود. این تصمیم شورای اقتصاد به معنی قطعی شدن افزایش بهای بلیطه میزان بیش از دو برابر بهای پیشین است که بسته به مقصد پرواز این نسبت بیشتر و یا کمتر می شود. تصمیم شورای اقتصاد روز ۱۱ فروردین ماه از سوی رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام گردید. در پی اعلام این تصمیم، سازمان هواپیمائی ملی

فرانسه ۱/۱ میلیارد دلار می پردازد

خواستار ۳ برابر آنچه که فرانسه حاضر به پرداخت است، می باشد. به نوشته روزنامه الحیات فرانسه ۱/۱ میلیارد دلار به ایران خواهد پرداخت. گفته شده اعلام این توافق با ایجاد یک کمیسیون مشترک دوجانبه همراه خواهد بود که ریاست طرف ایرانی آنرا افلا مرضا آتازاده وزیر نفت خواهد داشت.

کریستین رات سفیر پیشین فرانسه در تهران، در مصاحبه با نشریه هری زبان الحیات که در انگلستان و فرانسه منتشر می شود گفت به هنگام دیدار رولان دوما وزیر خارجه فرانسه از تهران در اوایل ماه مه، توافق دو کشور در مورد اختلافات مالی اعلام خواهد شد. اختلاف مالی دو کشور مدت ها است ادامه دارد و ایران



امسال نیز در سراسر کشور مردم مراسم سیزده بدر را در باغها و سبزه زارها و پارکهای شهرها برگزار کردند. مراسم امسال علاوه بر ستیزه هوشی رژیم با سنن ملی و مراسم جشن و شادمانی، با محدودیت های مضاعف ناشی از ماه رمضان نیز مواجه بود. با وجود این مردم از برپایی مراسم این سنت نیک باز نایستادند و با حضور وسیع در مناطق سرسبز، به پیشواز طراوت بهار رفتند. هکس، حضور مردم را در روز سیزده فروردین در یکی از پارکهای تهران نشان می دهد.

مراسم روز قدس

مردم عراق، حروح فوری نیروهای بیگانه از منطقه و حق تعیین سرنوشت مردم عراق گنجانیده شده است. در قطعنامه فوق ضمن محکوم ساختن تلاشهای سازشکارانه پیرامون مسئله فلسطین، تنها راه "آزادی قدس" به کارگیری رهنمودهای خمینی و مبارزه تاسرحنا بودی اسرائیل اعلام شده است. هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه این روز، نه در مورد طرح های مطرح شده در مورد مسئله فلسطین و نه در مورد ایده ایجاد منطقه امن در شمال عراق موضعی نگرفت و به تکرار شعارهای بی محتوا بسنده کرد.

رژیم جمهوری اسلامی به رسم هر سال همزمان با آخرین جمعه ماه رمضان مردم را به شرکت در "راه پیمایی های سراسری روز قدس" دعوت کرد. مراسمی که روز جمعه گذشته در تهران برگزار شد، علیه رژیم تبلیغات گسترده رژیم، با استقبال مردم مواجه نشد. اما بلندگوهای تبلیغاتی رژیم مانند جنبش از شرکت میلیونها تن در آن سخن گفتند. در قطعنامه ۷ ماده ای که در پایان این مراسم قرائت شد، مواردی شامل تجدید میثاق با خمینی، تبعیت کامل و پیروی از دستورهای خامنه ای که "ولی امر مسلمین" خوانده شد، حمایت همه جانبه از قیام

افزایش بهای تراکتور و کمباین

افزایش بی وقته نرخ خدمات و کلاهایی که از سوی دولت در اختیار مردم قرار می گیرد، همچنان ادامه دارد. این بار روغنی زنجانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و عضو شورای اقتصاد افزایش بهای تراکتور اعلام داشت. وی طی یک مصاحبه گفت از این پس قیمت گذاری تراکتور بر مبنای ارزش رقابتی (هر دلار ۶۰۰ ریال) خواهد بود و تنها بخشی از بهای هر تراکتور به روال سابق با دلار ۷۰۰ ریالی محاسبه خواهد شد. نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین نیز در مصاحبه دیگری اظهار داشت علاوه بر تراکتور بهای کمباین نیز افزایش یافته است. در ابراز مخالفت با این تصمیم، دکتر انگلی قائم مقام وزیر کشاورزی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات آنرا تورمزا دانست که به کاهش درآمد کشاورزان، مهاجرت آنان به شهرها و افزایش بهای محصولات کشاورزی خواهد انجامید. وی اعلام داشت سوبسید پرداختی برای هر تراکتور ۳۰۰ هزار تومان و مجموع سوبسید پرداختی به بخش کشاورزی ۱۵ میلیارد تومان است که عمده آن صرف تامین نیازهای اساسی کشاورزی از قبیل کود می گردد. افزایش بهای خدمات و کالاها به خاطر تصمیم دولت مبنی بر حذف تدریجی سوبسید است که اجرای آن از سوی بانک جهانی نیز از رژیم جمهوری اسلامی خواسته شده است.

شناسنامه ها تعویض می شود

رحمانی رئیس سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی طی مصاحبه ای در روز سه شنبه ۲۰ فروردین اعلام کرد، کلیه شناسنامه های ایرانیان (مقیم داخل و خارج کشور) تا پایان سال ۷۲ تعویض می شود و به جای شناسنامه های کنونی، شناسنامه های جمهوری اسلامی صادر خواهد شد. وی گفت در سال گذشته بیش از ۹ میلیون شناسنامه جدید صادر شده است. رحمانی از مردان متولد سالهای ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷ و زنان متولد ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۵ خواست که از روز ۲۱ فروردین با مراجعه به حوزه های ثبت احوال اقدام به تعویض شناسنامه های خود کنند.

چند خبر کوتاه اقتصادی

- در سال ۱۳۶۷ عده کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی (صنایع سنگین) ۷۳۰۰۰ نفر بود. این رقم در قیاس با شاغلین همین بخش در سال ۱۳۶۳ که ۱۱۶۰۰۰ نفر بودند ۳۶/۹ درصد کاهش نشان می دهد.
- در روز ۱۲ فروردین فاز دوم پالایشگاه نفت آبادان راه اندازی شد. طبق برنامه، از این پس این پالایشگاه باید بتواند روزانه ۲۶۵ هزار بشکه نفت خام را تصفیه کند. این حجم هنوز با ظرفیت تصفیه پیش از جنگ این پالایشگاه که ۶۵۰ هزار بشکه در روز بود فاصله زیادی دارد. حجم کنونی تصفیه نفت پالایشگاه آبادان ۱۴۰ هزار بشکه در روز است.
- محدودیت خروج صنایع دستی که توسط مسافرنین پروازهای خارجی حمل می شود، لغو گردیده است. پیش از این هر مسافر تنها مجاز بود صنایع دستی به ارزش حداکثر ۳۰ هزار ریال همراه داشته باشد.
- نشریه اقتصادی میدل ایست اکونومیک دایجست گزارشی از حجم مبادلات اقتصادی ایران را در سال ۹۰ منتشر ساخته است. ارقامی که در زیر می خوانید برگرفته از این گزارش است.

صادرات به:	واردات از:
آلمان ۷۸۳	۲۵۰۰
ژاپن ۲۰۳۵	۱۲۲۵
ایتالیا ۱۵۰۰	۱۱۰۰
انگلیس ۵۰۰	۶۹۰
فرانسه ۱۶۰۰	۶۰۰

ارقام ده ماهه اول سال ۹۰ واحد: میلیون دلار

● وزرای خارجه هلند، ایتالیا و لوکزامبورگ که در راس هیاتی از سوی بازار مشترک به تهران رفته بودند، به کشورهایشان بازگشتند. دستور اصلی کار این هیات در تهران، مذاکرات اقتصادی و هموار ساختن راه گسترش بیشتر مناسبات اقتصادی فی مابین کشورهای عضو بازار مشترک و ایران بوده است. وزیر خارجه سوئیس نیز در فروردین ماه در سفر به تهران مناسبات اقتصادی فی مابین را با مقامات ایرانی مورد بررسی قرار داد.

از چندی پیش در میان پناهندگان ایرانی و تجمع‌های سیاسی اپوزیسیون خارج از کشور، پیرامون امکان بازگشت امن به میهن گفتگوها و مباحثی جریان یافته که بویژه طی هفته‌های اخیر ابعاد نسبتاً گسترده پیدا کرده است. این اخبار با پیش شایعات بی‌اساس و دروغ نیز همراه شده است. کانون اصلی انتشار موج جدید اخبار مربوط به امکان بازگشت امن به کشور، فرانسه و آلمان است.

تا آنجا که به زمینه‌های واقعی این اخبار مربوط می‌شود، باید فعالیت‌های محدود اما تدریجاً رو به گسترش سفارت خانه‌های رژیم در کشورهای غربی مخصوصاً مراکز اصلی تمرکز پناهندگان را در نظر داشت که البته خود مسبوک به سوابق کار در سطوح پائین تر است. از مدتی قبل به این سو، مأموران وزارت اطلاعات رژیم مستقیماً از داخل کشور با برخی پناهندگان سیاسی تماس تلفنی برقرار میکنند و باصطلاح "دوستانه" به آنها میگویند که به شرط انصراف رسمی و هملی از مخالفت بانظام ولایت فقیه، میتوانند به کشور برگردند. اما اکنون، سطح فعالیت‌های رژیم در این عرصه تا آنجا ارتقاء یافته است که بعضی از سفارتخانه‌ها در شکل غیررسمی و نیمه هلنی با پناهندگان و بعضی محافل سیاسی در خارج از کشور وارد گفتگو شده‌اند.

زمینه جذب و گسترش، این اخبار در میان پناهندگان سیاسی نیز آنست که بخش بزرگی از این پناهندگان حتی یک روز هم از اندیشه بازگشت به کشور و زندگی و کار در وطنشان فارغ نیستند. محروم شدن نیروی چندمیلیونی ایرانی خارج از کشور از اقامت در کشورشان، درد بزرگ این توده وسیع است و ننگ بزرگی است که داغ آن بر پیشانی دولتمداران جمهوری اسلامی خورده است. اگر این حقیقت بزرگی است که چاره درد دوری از وطن، بازگشت به وطن است پس این نیز واقعیت دارد که هر شایعه مربوط به امکان سرآمدن دوره خرمان و محنت، در بردی از میهن و دوری از مردم با حساسیت مهاجرین روبرو شود. به علاوه موضوع مهاجرت اجباری بخش عظیمی از شهروندان ایران طی دهسال حکومت آخوندی به خارج از کشور و احتمال بازگشت امن آنها به ایران نقطه مسئله این شهروندان نیست، بلکه مسئله هموم جامعه ایران است و همگان در برابر آن بحق حساس هستند.

رژیم از این کرده اقدامات و تشبیهات نیم بند اهداف معینی را تعقیب میکند و منشاء اصلی این تشبیهات همانا بحران در مناسبات حکومت با جامعه و نوعی رهجویی آخوندی برای تخفیف بحران در نحوه اداره کشور است. رژیم که قادر نیست سیاست‌های دهسال گذشته را با همان رنگ و بو ادامه دهد، حفظ و نجات خود را در فاصله گیری از هژلازم و رشکستگی سیاست ورشکسته خود یافته است.

رژیم که در داخل کشور مجبور شده در برابر نیروی بزرگی از روشنفکران و اهل اندیشه و صاحبان تخصص، اینجا و آنجا و در زمینه‌هایی کوتاه بیاید، دیگر دلیلی نمی‌بیند که رابطه با خارج نیز به همان حربه هناد مطلق سابق متوسل شود. تلاش برای جمع و جور کردن حداقل کشتی به گل نشسته اقتصاد کشور و راه اندازی چرخ تولید ورشکسته بندیروی متخصص، با دانش و اندیشه روز نیاز دارد که حزب اله جماعت از این نیروی بهره‌مند است. این در حالیست که آمارهای هرروزه روی میز وزرای کابینه رژیم آخوندی، این حقیقت بسیار تلخ و گزنده را نشان میدهد که چه نیروی عظیمی از دانشمندان، متخصصان، اساتید دانشگاهی، پزشکان، مهندسان، کارشناسان و آموزگاران با فرهنگ و بطور کلی افراد کاردان و مجرب به دلیل عدم تمکین به اراده مستبدانه فقها و انواع تضییقات ارتجاعی در

زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ملی و مذهبی مجبور به جلائی وطن شده‌اند. رژیم چه بخواد و چه نخواد، قادر نیست این ثروت بزرگ کشور را نادیده بگیرد. به علاوه دست اندرکاران حکومتی برآند تا بازگشت مطیعانه هر مخالف نظام حاکم بر ایران را یک پیروزی سیاسی جلوه دهند و باصطلاح تثبیت جمهوری اسلامی در کشور را به رخ

از اعدام و کشتار مخالفان در زندان‌ها همچنان ادامه دارد. ترور شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون به قوت خود باقی است. هرگونه تشکل مخالف رژیم سرکوب می‌شود. انتقام کشی از آزادیخواهانی که اتهامشان فقط مبارزه با رژیم در سال‌های قبل بوده همچنان جریان دارد. سرکوب‌های نوبتی و تضییقات مداوم حتی علیه منتقدان هم تبار آخوندهای حاکم و یا

پیرامون بازگشت پناهندگان به کشور مسئله چیست

جریانات و شخصیت‌های حاشیه‌ای حکومت که به نارسایی‌های نظام استبداد حاکم اعتراض و انتقاد دارند، هنوز منتفی نشده است. سانسور شدید قلم و بیان و ممانعت لجوجانه نسبت به ایجاد نهادهای فرهنگی و هنری مستقل و کارشکنی نسبت به ادامه فعالیت محدود نهادهای شکل گرفته از این دست، برنامه عمل روزمره نهادهای سرکوبگر حکومت است. انواع فشارهای اجتماعی و دخالت در امور زندگی شخصی و خصوصی شهروندان، ناامنی و عدم اعتماد مردم و بویژه جوانان نسبت به آینده، شرایط دشوار اقتصادی به شمول کمبود و گرانی و بیکاری و نیز تنگ شدن روز افزون عرصه امکانات تحصیلی و بویژه تحصیلات عالی در کشور، همه و همه زمینه‌های مهاجرت بخش‌های بزرگی از توده‌های مردم به خارج از کشور است که گمان‌ها سر جای خود باقی است. هم اکنون در مهرآباد تهران، موسسه‌ای به نام دادستانی اوین مستقر در فرودگاه دایر است که بر اساس لیست سیاه بلندبالایی مسافران را کنترل کرده و به محض یافتن شکار، طعمه را روانه شکنجه‌گاه اوین می‌کند. در یک کلام، در ایران از آزادی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خبری نیست و سرکوب‌ها همچنان ادامه دارد.

اگر رژیم ولایت فقیه واقعا در مسئله بازگشت امن مهاجران به کشور جدی باشد، باید این موضوع بسیار با اهمیت و بزرگ ابعاد را آشکارا و صریح و از سوی مسئولان اصلی خود در قبال جهانیان اعلام کند. اگر حضرات واقعا ریگی به کفش نداشته باشند اینگونه به قیام باشک بازی و به اصطلاح چشیدن مزه دهان حریف متوسل نمی‌شوند. صریح و روشن توضیح می‌دهند که بازگشت امن مهاجرین و پناهندگان سیاسی به کشور چه رابطه‌ای با بازگشت آزادی به کشور دارد. مثلاً مهاجر بازگشته آزاد است تا آنچه را می‌اندیشد بر زبان براند و مثلاً با قانون اساسی ولایت فقیه، با استبداد حاکم، با خرافه پرستی رایج در کشور و با هر چه غیر متمدنانه و غیر انسانی است و جنبه دخالت در امور شخصی دارد، مخالفت بورزد یا نه؟

اگر رژیم حاضر بود به عملکرد تعدادی از رژیم‌های دیکتاتوری جهان طی دو سه سال گذشته تاسی جوید و روند ایجاد فضای باز در ایران را پیش بگیرد، آنگاه باید اول از همه تکلیف زندانیان سیاسی را روشن کند و موضع خود را در قبال حق دگراندیشان برای بیان نظر و عقیده و آزادی مردم در انتخاب شیوه زندگی‌شان بکلی تغییر دهد. اما اعمال دیروزی و امروزین رژیم مستبد ولایت فقیه، چه حاکی از آن است که استبداد همچنان آئین و شیوه رژیم آخوندی است.

این البته از بدیهیات پایبندی به اصول آزادی و دموکراسی است که حق انتخاب هر شهروند برای تعیین محل زندگی‌اش به رسمیت شناخته شود و مورد احترام قرار گیرد. هیچ کس و هیچ نیروی سیاسی مجاز نیست که مانع و یا محل تصمیم

بکشند. رژیم میخواهد که برگشت جغرافیایی مهاجرین، برگشت آنها از باورها و اهداف پیشین و موافقت آنان با جمهوری اسلامی جلوه گر شود.

از سوی دیگر اکنون که دولت رژیم آخوندی، ماشین جمهوری اسلامی را به سرآوری جاده دوستی با جهان غرب سوق داده است، ضروری می‌بیند تا سیاست سنتی بی‌اعتنایی و بی‌صمیمی مطلق به حقوق بشر، و بر این پایه بی‌توجهی به ملاحظات سیاسی دول غرب را تعدیل بخشد و سیاست تظاهر به رعایت حقوق بشر را تدریجاً جایگزین سیاست ده‌ساله گذشته کند. وجود خیل مهاجرین در غرب و انبوه پناهندگان سیاسی، جزو زنده‌ترین و کوبنده‌ترین مدارک جرم علیه رژیم آزادی‌کش آخوندی است و بنابراین کاستن از تیزی این مدرک هرچند کم‌رنگ کردن این سند جرم و جنایت نیز منطقی از الزامات خط دولت رنسنجانی است. این حجت الاسلام و دیگر هم خطه‌های او که قدرت اجرایی در کشور را قبضه کرده‌اند، برای کم اثر کردن تبلیغات مستند بر ضد وجود و استمرار استبداد جمهوری اسلامی، تاکتیک تبلیغ ضد تبلیغ را برگزیده‌اند. رژیم در رابطه با افکار عمومی جهانیان، به مانور و نهایش احتیاج دارد. مانوری که البته بی‌نتیجه هم نمانده و در موضع گیری‌های حکومت‌های غرب و حتی تا حد قابل توجهی در رسانه‌های گروهی غرب انعکاس و تاثیر خود را گذاشته است. حال آنکه مردم ایران میدانند آنچه دولت رژیم آخوندی در عرصه احترام به حقوق بشر ادا میکند، مصداق یک خروار حرف و یک جو عمل را دارد و در بهترین حالت حرفهای بی‌ماليات سران حکومتی است که معلوم نیست پشتوانه عملی آنها کدامست و یا چه زمانی عملی خواهد شد.

مخلص کلام اینک، اصل قضیه آنست که رژیم در جنبه تضاد و تناقض بین خواسته‌ها و تحمیلات خود به مردم ایران از یکسو و واقعیات جامعه ایران و جهان کنونی از سوی دیگر گرفتار است. همه هشیاری‌های رنسنجانی در آنست که زودتر از بقیه آخوندهای حاکم ضرب این پیک را بر فرق سر خود احساس میکنند و همه مهاجرت او نیز در آنست که زودتر از دیگران میکوشد تا با تمکین در برابر واقعیت‌ها، کشور را همچنان بر مدار قدرت آخوندی و برنامه‌های دراز مدت فقها بچرخاند، اما این تناقض که در ادامه روند، قطعاً به دست مردم و جبهه دموکراسی به سود واقعیت حل خواهد شد، به دست رنسنجانی‌ها حل شدنی نیست. تشبیهات اخیر رژیم در رابطه با پناهندگان نیز مانند دیگر موارد صرفاً در پرتو این تناقض اساسی قابل تبیین است.

رژیم جمهوری اسلامی همچنان یک رژیم آخوندی است و همه اعمال خود را اساساً بر تحمیل زورگویانه خود به جامعه و نفی و سرکوب مخالفان خود قرار می‌دهد. هیچ نشانه‌ای دایر بر سازش رژیم با دموکراسی و آزادی دیده نمی‌شود.

شهروندی شود که می‌خواهند به وطنشان بازگردند و بهیچوجه حق ندارند که تصمیم این یا آن مهاجر برای بازگشت به کشور را به هر بهایی علیه حیثیت آنها بدل کنند. تصمیم برای برگشت یک شهروند به وطن خود و یا عدم برگشت به آن، اساساً یک تصمیم فردی و است و باید شرایط برای اتخاذ منطقی، سنجیده و آزادانه چنین تصمیمی از هر نظر فراهم آید. سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون در برخورد مسئولانه با این موضوع حساس موظفند که اولادقت عمل و اهداف طرح‌ها و تاکتیک‌ها را در این زمینه تشریح کنند؛ ثانیاً اطلاعات و ارزیابی‌ها، راهنمایی‌ها و هشدارهای لازم را در مورد بازگشت امن به داخل کشور و نحوه مقابله با خطرات احتمالی که می‌تواند در داخل برای آنها پیش بیاید، به آنان گوشزد کنند؛ و ثالثاً فعالان و به شکل متحد مانع از این شوند که تشبیهات اخیر رژیم منجر به دشوار شدن شرایط پناهندگی برای پناهندگان قدیمی و تازه وار شود. بی‌هیچ تردیدی، مبارزه برای تامین شرایط بازگشت امن همه مهاجرین به کشور، باید با مبارزه برای حفظ حقوق و تسهیل شرایط پناهندگی ایرانیان در خارج کشور همراه باشد.

طبیعی است که بازگشت ولو محدود و مشروط پناهندگان به کشور، علیه رژیم تحریر و استبداد و به سود کشور و مردم است. برگشت افرادی که شناخت لازم را از رژیم استبداد فقاهتی کسب کرده‌اند و در عین حال از نزدیک به وجود آزادی و دموکراسی و احترام به حقوق بشر ادر بسیاری از کشورهای جهان تجربه کرده‌اند، افرادی که هموما به بخش روشنفکری جامعه تعلق دارند و در میان آنان عناصر با فرهنگ و فرهیخته کم نیستند، قطعاً به سود تحریر و استبداد و تنگ نظری آخوندی نیست. ورود این افراد به جامعه، آن روندی را در جامعه تقویت می‌کند که هر روز در کمیت و کیفیت بیشتری تحمیلات آخوندی بر جامعه را به عقب می‌نشانند و امکانات و توانایی مبارزه متنوع برای تامین آزادی و تقویت تلاش‌های باین حال خطای بزرگی خواهد بود درگاه در این تاثیرات وحد وجود آنها قلو شود و یا در پرتو این تاثیرات، استراتژی اصلی اپوزیسیون در مبارزه

متشکل برای آزادی در ایران از نظر دور بماند. اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور هر اندازه هم که پراکنده باشد و با آمادگی برای یک تعرض همه جانبه به رژیم و تحکیم پیوند با توده‌های مردم در داخل کشور فاصله داشته باشد باز خار چشم رژیم فقاهتست و برای آینده نظام استبدادی حاکم بر کشور یک خطر بالقوه است. یک انسان متعهد به رهایی کشور از چنگال ارتجاع و استبداد، بازگشت به کشور را منطقی در خدمت تقویت استراتژی مبارزه متشکل و متحد اپوزیسیون آزادیخواه در داخل و خارج کشور می‌خواهد.

مردم و اپوزیسیون آزادیخواه و مترقی مبارزه با رژیم آخوندی کش و ضدتجدد را در همه عرصه‌ها و در اشکال متنوع و با خواسته‌های کوچک تا بزرگ پیش می‌برند. از اینرو هرخواست از رژیم و هر تلاش برای عقب نشاندن آن باید با در نظر داشت چشم انداز نئی کامل استبداد و حاکمیت آخوندی از کشور صورت گیرد و به تحقق این هدف کمک کند. بهره گیری از هر روزن گشوده شده و هر فرصت پیش آمده که ناشی از عقب نشینی رژیم در قبال مردم است، مجاز و منطقی است به شرط آنکه مشیانه و بدون افتادن به دام خدعه و بی‌شرط رژیم و در تعهد به منافع مردم کشور صورت گیرد. بازگشت امن همه مهاجرین به ایران مشروط به تضمین حداقل حقوق شهروندان و تامین آزادی‌های اولیه و تدابیر ضرور برای بهبود وضع اقتصادی کشور و قطع خودسری‌های حکومت‌های کوچک در درون حکومت مستبد و پرهرج و مرج فقاهتست و رژیم فقها نتوانسته و نخواسته که شایسته چنین جسارتی باشد.

سیاست مجاهدین نسبت به صدام ادامه یابد با سرنوشت شومتری روبرو خواهند شد. این مسائل در مقاطع مختلف توسط سازمان ما و سایر سازمانهای سیاسی مطرح شده است. ولی مجاهدین محک العمل تند نسبت بان نشان داده‌اند و شروع به ناسزاگویی کرده‌اند. اشغال کویت و جنگ خلیج و سرکوب جنبش توده‌ای مردم عراق توسط صدام بار دیگر شرایطی را فراهم آورد که سیاست‌های مجاهدین خلق به محک بخورد. مجاهدین خلق باید از این تجربیات تلخ درس بیاموزند و قاطعانه تصمیم بگیرند که نیروهای خود را از عراق بیرون بکشند. در این راستا اگر هم اینکه نیز جلو ضرر گرفته شود باز نفع سازمان مجاهدین خلق خواهد بود.

اسلامی، عدم موضع‌گیری در رابطه با سیاست‌های تجاوزکارانه و جنایت کارانه صدام موجب شده است که تا حدودی وضعیت مجاهدین با وضعیت و سرنوشت رژیم صدام ارتباط پیدا کند. این امر پیامدهای استثنایی را برای مجاهدین بوجود آورده است. مردم عراق نسبت بکسانی که تحت حمایت صدام قرار دارند به چشم بی‌تفاوت نگاه نمی‌کنند. بی‌شک نفرت مردم از صدام، حمایت شونده‌گان آن را در مردم ایران و جهانیان نیز بدرجاتی صادق است. مجاهدین هرچقدر هم بکوشند نمی‌توانند از این مسئله رهایی یابند. تجربه نشان داد استراتژی که سازمان مجاهدین خلق برای سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی اتخاذ کرده‌اند تاکنون کارساز

بین المللی و قرض‌های کلان تبدیل شده است. این همه محصول سیاستهای صدام است. کارنامه رژیم صدام تمام‌اسیاه است. سازمان مجاهدین در پرتو و تحت حمایت چنین رژیمی به فعالیت می‌پردازد. فعالیت در چنین شرایطی همراه با الزامات و مشکلات بیشمار را بوجود می‌آورد که مجاهدین هرچقدر هم بخواهند سیاست بازی کنند نمی‌توانند از آن رهایی یابند. عدم موضع‌گیری نسبت به اشغال کویت، جنبش توده‌ای در عراق و کشتار مردم کرد توسط صدام به درجاتی ناشی از رابطه مجاهدین با رژیم صدام است. سازمان مجاهدین با استقرار همه قوای خود در عراق، تشکیل ارتش و استقرار آن در خاک عراق با هدف حمله به ایران و مغلوب کردن قوای نظامی جمهوری

تکذیب کرده‌اند ولی با تکذیب نمیتوان سئوالات متعددی را که در ذهن مردم نسبت به سیاستهای مجاهدین و موقعیت فعلی آن وجود دارد، پاک کرد و نمی‌توان مردم را با گفتن اینکه مادر امور داخلی عراق دخالت نمی‌کنیم، قانع کرد. موضع‌گیری نسبت باین رویدادهای مهم به هیچوجه بمعنی دخالت در امور کشور نمی‌تواند باشد. صدام حسین حکومت ترور و سرکوب را در عراق مستقر کرده است. صدام برای عملی کردن اهداف تجاوزگرانه خود، منطقه را به آتش کشید و موجبات بمباران‌های گسترده آمریکا و متحدین آن و بالنتیجه کشتار وسیع مردم عراق را فراهم ساخت. هم‌اکنون عراق به کشوری ویران و با بحران اقتصادی عمیق، تعهدات

مجاهدین خلق سکوت و جنجال

بقیه از صفحه ۳. در حالیکه "بولتن خبری" از اطلاعات در مورد فتوحات مجاهدین انباشته شده است. مجاهدین خلق در مؤاردی دست به مظلوم‌نمایی میزنند و میگویند ما در خاک عراق مستقریم و چاره‌ای جز سکوت در مقابل سیاستهای رژیم عراق نداریم. باید گفت وضعیت بوجود آمده محصول سیاست‌ها و تصمیمات مجاهدین خلق بوده است نه دیگران. این گونه برخوردها موجب میشود که ظن مربوط به همکاری مجاهدین با نیروهای صدام در سرکوب مردم عراق تقویت شود. گرچه مجاهدین بارها این امر را

جنگ اقتصادی امریکا و ژاپن

لیست بانک اول دنیا نام بانک های ژاپنی نیز هست. از دیگر موارد، سرمایه گذاری خارجی است. سرمایه گذاری آمریکا در کشورهای خارجی بین سال های ۱۹۸۸-۱۹۷۲ حدود هفت دهم درصد کاسته شده است در صورتیکه سرمایه گذاری خارجی ها در آمریکا (و به مقدار زیادی توسط ژاپنی ها) حدود ۵/۵٪ افزایش یافته است. جدی ترین مسئله که اخیرا در یک گزارش در آمریکا انعکاس یافته است این است که شرکت های آمریکایی، دیگر هدایت کنندگان توسعه تولیدات نه تنها در دنیا بلکه در میان خود مصرف کنندگان آمریکایی هم نیستند. ناامیدی آمریکایی ها تا حد زیادی مربوط می شود به کسری موازنه تجارت بین آمریکا و ژاپن به ضرر آمریکا (بدین معنی که آمریکا مقدار زیادی کالا از ژاپن وارد می کند و مقدار کمی کالا به ژاپن صادر می کند، لذا آمریکا در مجموع به ژاپن مقروض می شود) سیاستمداران و وسایل ارتباط جمعی خواستار انجام حرکتی جهت دفاع از اقتصاد آمریکا هستند... آمریکاییها تهدید به جلوگیری از ورود برخی از کالاهای ژاپنی از جمله ماشین و قطعات کامپیوتر (Chips) کرده اند. این تهدیدات در صورتی به اجرا در خواهد آمد که تقاضای آمریکا مورد قبول ژاپن واقع نشود. ترجمه: سمیل مرادی

آثار تاریخی اصفهان در معرض ویرانی

مدتهاست به حال خود رها کرده اند. مسجد شاه که پس از انقلاب به مسجد امام تغییر نام پیدا کرد در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام) قرار دارد نیز در اثر باد و باران و سایر عوامل طبیعی دچار تخریب شده و کاشی کاریهای زیبا و با ارزش گنبد اصلی به شدت صدمه دیده است. سایر بناهای تاریخی اصفهان نیز وضع مشابهی دارند. حفاظت از این بناها به عهده سازمان میراث فرهنگی است که هملا کاری در این جهت انجام نمی دهد. گفتنی است که بسیاری از این بناها فاقد نگهدارنده، تابلوهای راهنما برای بازدید کنندگان و راهنماست.

بناهای تاریخی اصفهان که جزو مشهورترین و زیباترین آثار تاریخی و معماری ایران هستند - بر اثر عدم مراقبت های لازم روبه ویرانی می روند. از جمله بناهایی که با خطر ویرانی روبرو هستند، باید از عمارت عالی قاپو نام برد. این عمارت در قرن یازدهم هجری بنا شده است و اکنون بسیاری از شیشه های طبقات شش گانه آن شکسته، دیوارها ترک برداشته و کلمات یادگاری بازدید کنندگان بر آنها نقش بسته است. طبقه سوم عمارت و ایوان زیبای آن مبدل به انبار تیر آهن و مصالح ساختمانی شده است که ظاهرا برای تعمیر بنا آورده اند و مستقلی ندارند.

روزنامه نگاران و سانسور

۲۰ نفر از پاسخگویان اظهار داشته اند که عوامل سیاسی و وجود سانسور مهمترین تاثیر را در مقاله نویسی دارد. سایر روزنامه نگاران از عوامل تخصصی، حرفه ای، اجتماعی و سایر عوامل نام برده اند. در ارتباط با دلیل تاثیر مستقیم عوامل سیاسی و سانسور بر کار خبر نویسی و گزارش نویسی ۴۰ درصد اظهار داشته اند که دلیل وجود سانسور جهت دادن سیاست ها و اخبار توسط دولت است. ۸۰ درصد گفته اند وجود سانسور به دلیل آن است که مطبوعات در جامعه نقش مستقلی ندارند.

چندی پیش در موسسه کیمیا تحقیقی در مورد وضع مطبوعات صورت گرفت و پرسشنامه ای در اختیار ۵۰ تن از کادر تحریری نشریات وابسته به این موسسه قرار گرفت. ۳۲ مرد بوده اند. این عده روزنامه نگار دارای مدرک فوق لیسانس در رشته های روزنامه نگاری و علوم ارتباطات تا دانشجویان دوره لیسانس را شامل می شده اند. ۲۶ نفر از پاسخگویان گفته اند عوامل سیاسی و وجود سانسور مهمترین نقش و تاثیر را در خبرنگاری هم دارد. در ارتباط با مقاله نویسی هم

از میان جراید

الحق نمی شود گفت یک نامه بلکه منشوری است که در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی ایران متبلور است.

اطلاعات

حجت الاسلام رحیمیان قائم مقام بنیاد شهید: احیاء ارزش و فرهنگ شهادت در جامعه از این پس محور اصلی فعالیت های بنیاد شهید انقلاب اسلامی رادر بر خواهد گرفت و ساختار این نهاد متناسب با اهداف جدید سازماندهی خواهد شد.

کیهان

جلال رفیع "سفر نامه نویسی": به قول آقای حمید سبزواری، شاعر گرانقدر انقلاب، حضرت امام را بنای سرودن و شعر گفتن نبوده است، اما همین فرزایاتی که گاهی سروده اند و به اصرار فرزندان و ارادت مندان ثبت کرده اند، نشان می دهد که اگر بنا بر این می بود، امام رضوان الله علیه پشت حافظ شیرین سخن را به خاک می رساند!...

اطلاعات

آیت الله مکارم شیرازی: از همه عجیب تر و مضحک تر وضع "بعضی" از گروه های مجاهدان اسلامی افغان بود که ناگهان تغییر موضع دادند و از "جبهات قتال" و جنگ با "دشمنان اسلام" چشم پوشیده، دوان دوان راهی عربستان شدند تا دوش به دوش "کفار" برای حفظ منافع آنها "جهد" کنند. مطلب به قدری شور بود که جمعی از جوانان رزمنده از فرودگاهی در پاکستان که می بایست از آنجا به عربستان بروند فرار کرده و از شرکت در چنین برنامه ای سرباز زدند. بسوزد دلارهای نفتی که انسان برای وصول به آن چه جا که نمی کند.

اطلاعات

صادق خلخالی (با اشاره به نامه رئیس مجلس به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) حضرت آیت الله آقای کربوبی زجر کشیده و حرمان دیده است که از یک طرف کتک شریعتمداری و از طرف دیگر داغ ساواک را به دوش دارد. ایشان مطالبی را در جواب نامه جامعه مدرسین بیان فرموده است که



دیوارهای عمارت عالی قاپو که به علت عدم توجه تخریب شده است

مسئله اصلی در سیاست

"در سیاست، همچنانکه در زندگی، مساله اصلی این است که بدانیم در هر موردی کجا مرز بکشیم به عنوان نمونه بین تدوام و تحول، آزادی و اعمال قدرت، اخلاق و مصلحت..."

ماریون گرنین نویسنده و روزنامه نگار آلمانی

ادامه نده، تو بردی!

جریان خیلی بالا رفته است. همه جا خاموش می شود و بقیه فرمایشات ریاست جمهوری قابل شنیدن نیست. صحنه سوم: طبقه هفتم جهنم است. هر م آتش آنچنان تند است که پنداری چاه های نفت آن دیار را هم صدام و بوش آتش زده اند. گوبلز در گوشه ای کز کرده و تلاش می کند خودش را از گرما محفوظ نگذارد. کلافه شده است. لباسش را در می آورد و مشغول دور کردن مار و عقرب و رتیل از تن و بدنش می شود. ناگهان گوشش تیز می شود و دست از کار می کشد. چند بار "سبحان الله" می گوید و با خودش قروند می کند: چه شنیدم؟ جمهوری اسلامی بدون دیکتاتوری؟ ناگهان بالیخندی در گوشه لب بانگ برمی دارد: برادر اکبر! ادامه نده، تو بردی!

صحنه اول: یک انگلیسی مبانی آداب و یک کابوی آمریکایی در کافه مشغول خوش و بشند. آمریکایی به انگلیسی پیشنهاد می کند بر سر اینکه چه کسی می تواند دروغ بزرگتری بگوید شرط بندی کنند. طرف می پذیرد و آمریکایی شروع می کند: یک جنتلمن آمریکایی بود که... انگلیسی با همه آداب دانی اش طاقت نمی آورد و وسط حرفش می دود: چه گفتی؟ آمریکایی جنتلمن؟ ادامه نده تو بردی! صحنه دوم: ارباب همایم گوش تا گوش نشسته اند و رفسنجانی مشغول نطق برای حضرات روحانیون استان خراسان است: انقلاب اسلامی بدون ابتلا به دیکتاتوری مسیر اولیه خود را دنبال می کند... فیوز می پرد. ظاهرا در مسیر بلندگو شدت

احمد زماپور

چنین کنند بزرگان...

رونالد و نانسی ریگان وقتی که به ارباب و خانم کاخ سفید بدل شدند، چنان دم از دین و مذهب زدند که انگار با خمینی رقابت می کنند، دهای صبحگاهی را در مدارس اجباری کردند، بر رونق کار کلیساها و کشیش های تلویزیونی افزودند و کلیسا را به عنوان یکی از ارکان ریگانسیم، به عنوان یکی از شکل های بروز محافظه کاری جدید اعلام نمودند. یکی از شعارهای انتخاباتی آنها مبارزه با مواد مخدر بود. هفته گذشته کتابی در آمریکا انتشار یافت که فاش می کند اینان خود در خلوت چه می کرده اند و چه پیشینه ای دارند. کتاب در توصیف زندگی نانسی ریگان است و "زندگی نامه غیر رسمی نانسی" نام دارد. این کتاب به قلم خبرنگاری به

نام کتی کلی است که در روز اول ورود خود به بازار ۶۰۰۰۰۰ نسخه به فروش رفت. کتی کلی تحقیق مفصلی از منابع دست اول در مورد خانم و آقای ریگان به عمل آورده و از جمله فاش می سازد که روابط خصوصی نانسی ریگان در دهه شصت با فرانک سیناترا شومن و خواننده مشهور در محافل سیاسی - مافیایی ذینفوذ آمریکایی تا چه حد پیش رفته بوده، ریگان روی چه حساب با نانسی ازدواج کرده... در کتاب شرح مفصلی هم داده شده است در مورد ماری جوانا کشی خانم و آقای ریگان. کتاب کتی کلی شرح زنده است در مورد رهبری آمریکا و پرچمداران "آزادی و نظم نوین".

انتصاب!

مهرداد کوبکی دانشجوی حزب الهی که به جرم آتش زدن یک کتابفروشی در لندن در زندان به سر می برد، پس از آزادی و بازگشت به ایران، یک شبه دکتر شد. پیش از آن نیز برادر شمعخانی از فرماندهان سپاه که شایع است فن شنا را بلد نیست - یک شبه در یادار شده بود. پیش تر از آن نیز حجت الاسلام خامنه ای که توسط خمینی به عدم درک ولایت فقیه متهم بود - باز در عرض یک شب، به مقام آیت الهی و ولایت فقیهی رسیده بود. به نقل از "جراید فیبی" حال که کار بر این منوال است، ما نیز از فرصت استفاده نموده و در یکی از این شبهای ماه مبارک، خود را به مقام شامخ استوانه بزرگ اسلام منصوب فرمودیم و اینک نخستین فتوای

احقر، حاج خوش خیال استوانه ای ۲۵ رمضان سنه ۱۳ انقلاب اسلامی

جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان در آلمان

جشن بیست سالگی جنبش فدائیان با شکوه تمام و با حضور جمع کثیری از ایرانیان برگزار شد.

شهر ترویزدورف آلمان عصر روز ۶ فروردین شاهد برگزاری باشکوه جشن بیستمین سالگرد جنبش فدائیان بود. ستاد برگزاری جشن از سوی تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان با انتشار پوستری زیبایی که در آن پرچم سه رنگ ایران با کیبوتر صلح و اعلان ۲۰ سالگی فدائیان پیوند خورده بود، از هم میهنان ساکن آلمان و دوستان آزادی و عدالت در ایران برای شرکت در جشن مزبور دعوت بعمل آورده بود.

انبوه شرکت کنندگان در این جشن که تعدادشان تا دوهزار نفر نیز تخمین زده شده است، گرد آمدند تا یاد دلاوری را که پرچم خونین فدائیان را برافراشتند و همه آتشی را که تا امروز آن را در امتزاز نگهداشته اند، گرامی بدارند. جشن حول دو شعار "بیستمین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم" و "در بیستمین سالگرد جنبش فدائیان، یاد و رزم همه مبارزین راه آزادی و عدالت را گرامی داریم"، تدارک شده بود. سالن با شعارهایی چون "در راه آزادی و عدالت به پیش" و "با شرف فدائیان که در این سال های نبرد، جان بر سر آرمان خویش نهادند، تزیین شده بود. در دو سوی صحنه اصلی، تصاویر بزرگ رفقا بیژن جزنی و حمید اشرف به مثابه سمبل اندیشه و عمل بنیانگذاران جنبش

فدائیان جای گرفته بود. در آغاز جشن حاضرین در گرامیداشت یاد فدائیان شهید و همه شهدای راه آزادی یک دقیقه سکوت کردند و پس از قرائت پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و فراخوان شورا تحت عنوان "به یاری آوارگان کردبشتابیم"، برنامه های هنری آغاز شد. پیشتر توسط شورای مرکزی سازمان و ستاد برگزاری جشن، از سایر سازمان های جنبش فدایی، برای برگزاری مشترک مراسم دعوت شده بود اما این دعوت به دلایل مختلف، در عمل بی پاسخ ماند. در طول برنامه های هنری، خواننده شمیر هاشورپور و همچنین بخرخ، طرونجی خواننده آذربایجانی و هاشیق دینز با هنرنمایی های خویش جمعیت را به وجد آوردند. برنامه های هنری جشن از جمله رقص های محلی کودکان مورد استقبال شدید شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. در فواصل برنامه ها گویندگان، با قرائت متون کوتاه و اشعار زیبا، انسان، صلح، آزادی، پایداری و شجاعت را ستودند. در دقایقی به پایان روز ششم آوریل، فروردین جشن بیست سالگی جنبش فدائیان در میان شور و شوق نزدیک به دوهزار نفر، با آرزوی سعادت و پیروزی برای شرکت کنندگان و آزادی و شکوفایی برای ایران پایان یافت.

"هزار" ادیب برجسته کرد در گذشت

کرد، اشعار "کاک هزار" را در سرزمین و مرتع و در مبارزه علیه نیروهای سرکوبگر جنبش ملی کردستان زمره میکنند و روشنگران و اندیشه ورزان خلق کرد از خدمات بزرگ استاد خود الهام میگیرند. "هزار" دهها اثر نوشته و ترجمه از زبان عربی و فارسی به کردی ارائه کرده که ترجمه "شرفنامه" بعنوان یک منبع اصلی تاریخی کردستان از فارسی به کردی در زمره این خدمات است. "هزار" در همانحال به ادبیات زبان فارسی نیز خدمات بزرگی کرده که ترجمه ۵ جلد کتاب "قانون" ابوعلی سینا برای اولین بار از عربی به فارسی از نمونه های این تلاش های برجسته است. در گذشت "کاک هزار" ضایعه بزرگی برای فرهنگ و ادبیات کردی و فارسی است. ما در گذشت این ادیب پرآوازه را به همه فرهنگ دوستان، به آشنایان و دوستان ایشان و مخصوصا برادر ایشان دکتر سعید شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران تسلیت میگوئیم.

خبر یافتیم که شاعر و ادیب برجسته کرد، عبدالرحمن شرفکندی مشهور به "هزار" روز پنجشنبه دوم اسفندماه سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد سالگی در تهران رخت از جهان بریست. کاک "هزار" نیم قرن از حیات خود را در خدمت مبارزات حق طلبانه خلق کرد و شکوفایی فرهنگ کردی قرار داد و گنجینه ادبیات کرد را فضای فراوان بخشید. "هزار" با انتشار مجموعه اشعاری بنام "ناله کوه" در سال ۱۳۳۵ بعنوان چهره ای درخشان در ادبیات خلق کرد درخشید و با خدمات برجسته ادبی و فرهنگی مستمر برای همیشه چون ستاره ای تابان در آسمان ادب و فرهنگ کرد باقی ماند.

"هزار" در میان مردم کردستان هم به "کاک هزار" و هم به استاد "هزار" مشهور است. این ادیب برجسته در همین ارائه کارهای ادبی سطح بالا، مهارت فراوانی در زمینه سرودن اشعار لطیف، مردمی و حقیقت جوینانه همه نم داشت، توده های

پنجاهمین سال خاموشی پروین اعتصامی

امسال پنجاهمین سالگرد درگذشت پروین اعتصامی شاعر پرآوازه ایران است. اشعار پروین اعتصامی آکنده از مضامین اجتماعی است. پروین از فقر و فلاکت جامعه، از جان کندن زحمتکشان رنج می برد و در ده های آنها را در اشعارش بازتاب می داد. اشعار پروین مالا مال از روحیه آزادیخواهانه و عدالت جویانه و نفرت او از فقر و فلاکت است.

ای رنجبر

ریختن از بهر نان از چهره آب ای رنجبر چیست فزادت جز نگویش یا عتاب ای رنجبر چند می ترسی ز هر خان و جناب ای رنجبر و ندران خون دست و پائی کن خضاب ای رنجبر تا شود چهر حقیقت بر حجاب ای رنجبر کی دهد عرض فقیران را جواب ای رنجبر می کند مردار خواری چون غراب ای رنجبر خواجه تبهو می کند هر شب کباب ای رنجبر غم مخور، می ناید امشب ماهتاب ای رنجبر تو چه خواهی فهم کردن از کتاب ای رنجبر کارگر کارش غم است و اضطراب ای رنجبر رو تو صدها وصله داری بر ثیاب ای رنجبر از تو می بایست کردن اجتناب ای رنجبر

هرچه بنویسند حکام اندرین محضر رواست

کس نخواهد خواستن زایشان حساب ای رنجبر

فرهنگنامه روز

ستون تازه "فرهنگنامه روز" در نشریه کار اختصاص به دادن اطلاعات پایه ای فرهنگنامه ای (انسیکلوپدیک) حول مقولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روز دارد.

گرجستان

در روز سه شنبه هفته گذشته (۹ آوریل ۱۹۹۱) جمهوری شوروی گرجستان رسماً استقلال خود را اعلام و روند رسمی جدایی خود از اتحاد جماهیر شوروی را آغاز کرد. در پایان ماه گذشته در گرجستان در مورد جدایی از اتحاد شوروی یک همه پرسی صورت گرفت بیش از ۹۰ درصد شرکت کنندگان رای به استقلال دادند. شورای عالی جمهوری گرجستان بر مبنای این همه پرسی در روز ۹ آوریل بیانیه استقلال گرجستان را با اکثریت مطلق آرا به تصویب رساند. در این بیانیه آمده است: "شورای عالی جمهوری گرجستان... استقلال مجدد استقلال دولتی خود را بر مبنای بیانیه استقلال ۲۶ ماه مه ۱۹۱۸ به همه جغائیان اعلام می کند" منظور از این "بیانیه استقلال" اعلام استقلال جمهوری دموکراتیک گرجستان از سوی دولت منشیویکی آن هنگام این جمهوری است.

گرجستان دارای یک سابقه تاریخی طولانی است. گرجی ها طی رنم این که کمتر حاکم بر سرنوشته خویش بوده اند، همواره هویت ملی خود را حفظ کرده اند. در عصر باستان بخش غربی گرجستان زیر نفوذ یونانیان و بخش شرقی آن زیر نفوذ ایرانیان قرار داشته است. پس از لشکرکشی پمپئوس علیه پارتها (۶۷ پیش از میلاد) کل منطقه گرجستان زیر حاکمیت رم و بعداً بیزانس قرار گرفت. در نیمه اول قرن چهارم میلادی مسیحیت در گرجستان رخنه کرد. ابتدا فرقه مونوفیزیستها در گرجستان نفوذ داشتند، اما از قرن ششم کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه دارای نفوذ برتر شد. در قرن هفتم گرجستان به تصرف اعراب درآمد. داود سوم معروف به "احیاکننده" (۱۱۲۵-۱۰۸۹) گرجستان را از نو مستقل کرد. در عهد گئورگ سوم (۱۱۸۷-۱۱۵۶) و دخترش تامار (۱۲۱۳-۱۱۸۴) بروست قلمرو گرجستان افزوده شد و از دریای سیاه تا دریای خزر زیر حاکمیت گرجی ها قرار گرفت. در این دوران فرهنگ گرجی به اوج شکوفایی خود رسید، حمله مغولها و به دنبال آن لشکرکشی تیمورلنگ گرجستان را سوخته و ویران کرد. پس از فتح قسطنطنیه (استانبول فعلی) به دست ترکها به رهبری سلطان محمد فاتح (۱۴۵۳) گرجستان به سه امیرنشین تقسیم شد. در قرن ۱۶ روند تجزیه قلمرو گرجستان ادامه یافت. بخش غربی گرجستان وابسته به عثمانی و بخش شرقی آن وابسته به ایران شد. در این عصر بخشی از مردم گرجستان به دین اسلام گرویدند. در سال ۱۷۸۳ هراکلیوس یک شهریار گرجی با بستن قراردادی با کاتارینای دوم ملکه روس گرجستان را به منطقه تحت الحمایه روسها تبدیل کرد تا به این ترتیب در برابر ترکها

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ یک شورای ائتلافی به رهبری منشیویکا اداره امور را در گرجستان به دست گرفت. دولت منشیویکی در ماه مه ۱۹۱۸ استقلال گرجستان را اعلام کرد. آلمانی ها، ترکها و انگلیسی ها از این اقدام استقبال کرده و حمایت خود را از گرجستان مستقل اعلام نمودند. گرجستان به یک کانون مهم مبارزه علیه انقلاب اکتبر و دولت بلشویکی تبدیل شد. مردم گرجستان با رویه ای که دولت منشیویکی در تخلیس پیش گرفته بود، مخالف بودند. مقاومت آنان باعث شد که دولت منشیویکی با دولت مرکزی بلشویکی قراردادی را منعقد کند که براساس آن حکومت تخلیس پذیرفت رابطه خود را با ضدانقلاب و دولت های خارجی قطع کند و از سرکوب بلشویکها دست بردارد. حزب کمونیست گرجستان در ماه مه ۱۹۲۰ سازمان خود را تشکیل داد و فعالیت هلی خود را آغاز نمود. در فوریه ۱۹۲۱ نیروهای ارتش سرخ با کمک بلشویک های گرجی گرجستان را به تصرف در آوردند. حکومت منشیویکی کنار گذاشته شد و در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ برپایی جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان اعلام شد. از دسامبر ۱۹۲۲ تا دسامبر ۱۹۳۶ گرجستان همراه با ارمنستان و آذربایجان جزو جمهوری فدراتیو ماورا قفقاز بود. قانون اساسی ۱۹۳۶ این جمهوری فدراتیو را تقسیم کرد و گرجستان در قالب یک جمهوری شوروی درآمد. جمهوری گرجستان از سمت غرب به دریای سیاه و از سمت جنوب به ترکیه پیوسته است. وسعت آن ۶۸۷۰۰ کیلومتر مربع است و دارای ۵/۲ میلیون سکنه است (آمار ۱۹۸۶). پایتخت گرجستان شهر تلیس است. دیگر شهرهای بزرگ این جمهوری عبارتند از کوتایسی، روستاوی،

باتومی، و سوخومی. براساس آمار ۱۹۷۶، ۶۸/۸ درصد جمعیت گرجستان گرجی، ۹ درصد ارمنی، ۷/۴ درصد روس، ۵/۱ درصد آذربایجانی، ۳/۲ درصد اوست، ۱/۹ درصد یونانی، ۱/۷ درصد از ملیتهای دیگر است. دو جمهوری خودمختار آزار و آنجاز و منطقه خودمختار اوست جنوبی جزو قلمرو جمهوری گرجستان قرار دارند. آب و هوای گرجستان تقریباً همسان با شمال ایران است. محصولات اصلی کشاورزی گرجستان عبارتند از چای (۱۹۸۴: ۵۷۷۰۰۰ تن در سال)، انگور و مرکبات، پرورش کرم ابریشم و ابریشم بانی در گرجستان سنت دیرینه دارد. گرجستان از نظر داشتن مواد کافی فلزی غنی است. نفت نیز به میزان کمی استخراج می شود. در مقیاس کل شوروی گرجستان به لحاظ رشد صنعتی و داشتن کارخانه در حد متوسط است. صنایع مصرنی و صنایع ماشین سازی و ذوب آهن و پالایشگاه گرجستان در حد تاحمین نسبی نیازهای داخلی جمهوری است. بحران اقتصادی در مقایسه با جمهوری روسیه کمتر عوارض خود را نشان داده و مردم کمتر برای تامین مواد غذایی و پوشاک در مضیقه اند.

زبان مردم گرجستان گرجی است که در میان زبانهای ناحیه قفقاز سنت ادبی دیرینه تری دارد. مردم گرجستان ناسیونالیستند و ناسیونالیسم شان از جمله به صورت اعمال ستم بر اوستها شکل شونیستی و پرخاشجویانه ای می یابد، هر چند که در میان گرجی ها در مقایسه با ارمنه و آذربایجانی ها سنت های دموکراتیک ریشه دارتر است. ستم استالینیستی بر مردم گرجستان با نام سرگوار دشمنیکدزه ولارنتی بریا گره می خورد. در سال ۱۹۷۲ شوارنادزه وزیر خارجه پیشین اتحاد شوروی رهبری حزب کمونیست گرجستان را به دست گرفت. در دوره او مبارزه وسیعی با نساد صورت گرفت. گفته می شود که ابتدا در گرجستان بر روی گلاسنوست و پروسترویکا آزمایش به عمل آمد. گرجی ها در آغاز سرجدایی از اتحاد شوروی را نداشتند. بر خورد سرکوبگرانه لشکر تحت فرماندهی ژنرال ردیونوف با مردم در تخلیس در دو سال پیش اردوی ناسیونالیستها را تقویت کرد. رهبر کنونی حزب کمونیست گرجستان و دولت این جمهوری اسویاد گامزاجوردیا نام دارد. وی خود را سوسیال دموکرات می داند. رهبری او در گرجستان براساس سیستم فرماندهی فردی است. در زمینه دموکراسی سیاسی واجتماعی پیشرفت چشمگیری حاصل نشده و آزادی مطبوعات تابع ممنوعی آنها با نیت ناسیونالیستی رهبری گرجستان است. خصوصی کردن بنگاههای دولتی، گشودن باب روابط تجاری با اروپای غربی و دعوت از سرمایه داران غرب برای سرمایه گذاری در جمهوری، در صدر برنامه های رهبری گرجستان قرار دارد. دولت شوروی اعلام استقلال گرجستان را فیرقانونی اعلام کرده است. گرجی ها اما در جدایی از شوروی مصممند. گرایش جدایی طلبی در گرجستان اکنون دست کمی از شدت و ژرفای این گرایش در جمهوری های بالتیک ندارد.

چرا شعار انتخابات آزاد!

نوشته نوری دهکردی

شعور سیاسی بالایی را پیش شرط نمیخواهد. اکنون باید دید که اگر این شعار با معیارهای ارزشی ما خوانائی دارد، با دیگر ملزومات طرح یک شعار سیاسی نیز سازگار است یا خیر؟ اولین سئوالی که به هنگام طرح این شعار به ذهن خطور می کند، عدم خوانائی آن با تساوت و خشونت کم ماندگی است که رژیم جمهوری اسلامی آن را نمایندگی می کند. این واقعیت در نگاه اول طرح شعار انتخابات آزاد را به مثابه شعاری مرحله ای بی مورد می نماید. ولی توجه دقیق تر به وضع رژیم، معضلات و تناقضهای بنیادین آن، جز این را نشان می دهد. زیرا:

۱- این رژیم محصول یک انقلاب توده ای است که یکی از شعارهای اصلی آن آزادی بود. هر چند رژیم توانست با برجسته کردن جنبه های عدالت خواهانه انقلاب از یکسو و ایدئولوژی اسلامی از سوی دیگر و با پشتوانه آمریت خمینی، شعار آزادی را از محتوی خالی و بیرنگ سازد، ولی هیچگاه نتوانست آن را از ذهنیت جامعه شعروند طرد کند. تا بدانجا که حتی ولایت فقیه خمینی، آنگونه که در درسهای نجف اش بیان شده بود، به کرسی نشست و با محتولاتی چون مجلس، انتخابات و آراء مردم همراه گشت.

این یکی از تناقضات بنیادین رژیم جمهوری اسلامی است. ولایت فقیه بر اساس منطق ذاتی خویش با مجلس، انتخابات و حاکمیت مردم در تناقض قرار دارد. بنابراین انگشت گذاردن مداوم بر این تناقض، نقطه ضعفی اساسی برای رژیم و یکی از ابزارهای کارآمد مبارزه سیاسی است. این رژیم باید در موقعیتی قرار گیرد که به این تناقض پاسخ دهد، و قرار نمی گیرد مگر اینکه اپوزیسیون آن را با طرح شعار انتخابات آزاد و حاکمیت مردم و تبدیل این شعار به وزنه ای مهم در انکار همومی جامعه، در مقابل این ضرورت قرار دهد. و الا بحث های درون حاکمیت از حد اعتراضات نیم بند کسانی چون اصغر زاده فراتر نمی رود. ولی همین قدر که کسی مثل آقای اصغر زاده به جهت گیری های متفاوت در درون حاکمیت در ارتباط با این تناقض بنیادین اشاره دارد، و حال، حتی اگر به این دلیل هم باشد مجلس تنها پایگاه جناح به اصطلاح رادیکال رژیم مانده است، اعتراف می کند که "یک اندیشه ارتجاعی" وجود دارد که "معتقد است که حکومت الهی از بالا به پائین است و مردم نقشی ندارند" (به نقل از انقلاب اسلامی شماره ۲۴۱)، به قدر کافی حساسیت مسئله و ضرورت دخالت فعال اپوزیسیون دموکرات در این کشاکش را نشان می دهد.

۲- رژیم جمهوری اسلامی هر چند بعنوان یک رژیم ایدئولوژیک به میدان آمد، که تحقق احکام اسلام و قرآن را در سرلوحه برنامه های خود قرار داده بود و معیار ایدئولوژیک در آن معیار تمام ارزشها بود، به ویژه پس از فتوای معروف خمینی، که مسئله قدرت سیاسی به معیار ارزشها بدل گشت، روز به روز بیشتر از چنین هدفی دور می شود. این دوری که زیر فشار واقعیت های خاکی تحمیل شده است، بنوبه خود زمینه ساز تناقضات متعدد دیگری است. هم به دلیل تخاسیر متفاوت از ایدئولوژی، هم به دلیل عدم خوانائی ایدئولوژی در کلیت خویش با واقعیت و ضروریات و هم به دلیل دوری بیش از پیش حاملین اصلی این ایدئولوژی، یعنی روحانیت از حکومت که بعد از آن خواهیم پرداخت.

۳- این رژیم هیچگاه از تضادهای حاد درونی بری نبوده است. آشخواری اصلی این کشاکشهای درونی، یعنی انعکاس تمایلات و خواست های نیروهای اجتماعی متفاوت در درون رژیم و منطبق حذب حاکم بر ایدئولوژی جمهوری اسلامی اینک نیز به قوت خود باقی است. آنها خود از سه جناح "رادیکال، اصلاح طلب و محافظه کار ویا چپ و راست و میانه" حرف می زنند (حضرتی نماینده رشت، به نقل از انقلاب اسلامی در هجرت شماره ۲۴۰). هر چند بنظر میرسد که جناح چپ بازی اخیر را باخته است، باز دعوی میان "اصلاح طلب ها" و "محافظه کارها" باقی است و اگر آن هم به نفع یکی از این دو جناح به سرانجام رسد، باز مسئله فقط در راس قدرت حل شده است و نه در بدنه آن و این سه جناح، به دلیل شرایط عینی، هر بار مصداق و نمود دیگری خواهند یافت.

۴- تا زمانی روز افزون لایه های بسیار گسترده ای از جامعه ما، هم به دلیل عدم وجود قانونیت و هم به دلیل تشدید روند تغیر، یکی از عوامل مهم ضعف رژیم و یکی از عوامل مهم درگیری های درونی آن است. این رژیم هنوز به جایی نرسیده است که در مقابل این ناراضی بی تفاوت بماند. رژیم هر چند سپاه پاسداران را در راس و وظیفه دار

گرچه امروزه هنوز در دوره رشد، تکوین فرهنگ و اندیشه، منش و روش سیاسی چپ دموکرات قرار داریم، ولی به دلایل مختلف، پیش و بیش از هر چیز دلیل حدت مسائل سیاسی در جامعه ی ما و بحران سیاسی- اجتماعی ای که از پس از انقلاب بهمین هنوز موضوع روز است، بحث بر سر شعار سیاسی مرکزی چپ دموکرات، بالا گرفته است. من نیز به این دلیل و هم از این رو که روشن شدن تر مسائل مربوط به برنامه سیاسی را گامی اساسی در راه هم آوایی و هم سوئی جریانات پراکنده چپ دموکرات میدانم، چپی که در آن مشخصات سیاسی باید جایگزین مشخصات ایدئولوژیک گردد. این بحث را ضروری میدانم.

بالطبع هنگامیکه قرار بر تبیین شعار مرکزی چپ دموکرات برای دوره ای از مبارزه است، باید دید که کدام شعار با معیارهای ارزشی این چپ، با نیازهای آن در راستای دخالت فعال در روندهای سیاسی کشورمان، با موقعیت و وضع رژیم و نیروهای اپوزیسیون آن، با ذهنیت جامعه و روندهای واقعی و یا قابل پیش بینی در آن، با شرایط بین المللی، با سیاست ائتلافی این چپ و نیروهای مخاطب اجتماعی آن، خوانائی دارد. در بحث هایی که اینک صورت میگیرند، چندین نظر درباره شعار مرکزی کنونی چپ دموکرات طرح شده اند. عده ای کماکان شعار سرنگونی را درست می دانند، عده ای دیگر به عنوان بدیل شعار انتخابات آزاد و یا برخی دیگر شعار "آزادی و تجدد" و یا "آزادی و نان" را طرح می کنند.

بنظر من شعار انتخابات آزاد، به مثابه شعاری مرحله ای و استراتژیک، با توجه به واقعیات امروز، درست ترین این شعارهاست و در زیر خواهم کوشید، این نظرم را استدلال کنم و سپس به دلایل مخالفت خودم با برخی نظرات دیگر خواهم پرداخت.

* * *

آنچه بدوا ضروری است، محک زدن شعارهای سیاسی مورد بحث با معیارهای ارزشی ای است، که در خطوط اصلی خود مورد توافق تمامی جریانات وابسته به چپ دموکرات اند.

یکی از این معیارها نفعی تقدیس قهر و جایگزین کردن آن با خواست و تمایل به حل مسالمت آمیز معضلات و تناقضات اجتماعی است. زمانیکه این معیار ارزشی را در کنار ارزشهای دیگری نظیر تعهد به نوع دوستی، نفع فرهنگ قهر و خشونت و تصاص، تاکید بر اصل بر جمعیت مردم، دفاع از حقوق دموکراتیک دیگر اندیشیان و مخالفان قرار دهیم، می بینیم که این معیارها را به سمت شعار سرنگونی هدایت نمی کنند. چراکه این شعار اولاً مترادف با، اگر نه حتی مطلق کردن، بل حداقل پربهادادن، به عنصر قهر است. دوماً کنار گذاشتن بخشی از نیروهای اجتماعی را که اکنون حاکمیت را از آن خود می پندارند، از زندگی سیاسی جامعه و سرکوب قهرآمیز آنان را در خود مستتر دارد و سوماً به این دلیل که قهر و شیوه های قهرآمیز مبارزه علیه قدرت حاکم، فرهنگ دموکراسی و مدارا را در جامعه نه تنها رشد نمی دهد، بلکه بشدت تضعیف می نماید و در شرایطی که فرهنگ دموکراسی تضعیف شود، سخن از استقرار دموکراسی پس از نفعی قهرآمیز قدرت حاکم، بر بنیادهای پس وضعیتی استوار است.

مزید بر اینها پذیرش این شعار برای چپ دموکرات این خطر را در خود می پروراند، که تمایز آن از چپ سنتی بسیار کم رنگ گردد. برای چپ سنتی اعمال قهر به معنی اعمال خشونت جزو معیارهای ارزشی بوده و هست. جنگ یا قیام مسلحانه تنها چشم اندازی بود، که این چپ برای بهبود شرایط زندگی توده های زحمتکش ارائه می داد. برای این چپ بدون درهم شکستن ماشین دولتی، هیچ چیز دست آمدنی نبود. هر چند که بعلت گسترده شدن ماشین دولتی و نقش مهم آن در تولید و توزیع جامعه، این شعار کم رنگ تر گشت و جای خود را به درهم شکستن ارگان های سرکوب دولت سپرد، باز در جوهر خود، سرکوب قهرآمیز و خشونت بار بخشی از جامعه و تصرف مسلحانه قدرت، و محفظه مسلحانه آن را توسط بخشی دیگر، در مد نظر داشت.

البته چنین هدفی سازماندهی ویژه خود را نیز می طلبد، سازمانی از انقلابیون حرفه ای، کارآمد در فن مبارزه با پلیس سیاسی، منضبط و سازمان یافته از بالا به پائین و... که به نمونه ایرانیان هنامی از فرهنگ شیعه و عرفان، نظیر شهادت و ریاضت، نیز اضافه می شد. پدیده هایی که اینک تا اندازه ای می شناسیمشان و عوایتی که از زیر بارشان هنوز کمر راست نکرده ایم و پسماندهای دیگری که بعداً به آنها خواهم پرداخت.

از بین تمامی شعارهای بدیلی که عنوان گشته اند، شعار انتخابات آزاد با معیارهای ارزشی ما خوانائی بیشتری دارد. چراکه این شعار، پذیرش مسالمت در حل معضلات جامعه، اصل بر جمعیت مردم و تعیین کننده بودن رای آنها و دفاع از حقوق دموکراتیک دیگر اندیشیان و مخالفان را در خود مستتر دارد و در عین حال شعاری است اثباتی و مشخص که پذیرش آن

تدریجاً می نماید. بنابراین تعیین مشی سیاسی اپوزیسیون باید با توجه به این قدرت مشخص و ضعف استراتژیک تنظیم گردد.

در این رابطه است که شعار انتخابات آزاد، به مثابه شعاری بسیج گر و مدغمند میتواند در درازمدت و در صورت فراهم آمدن شرایط لازم دیگر، عملی نیز باشد.

البته آنچه در مورد وضع رژیم گفته شد، میتواند در استدلال درستی شعار سرنگونی نیز عنوان شود. ولی هم اینجاست که تعیین آگاهانه سیاست از جانب اپوزیسیون و بویژه چپ دموکرات و دخالت کنشی و نه تنها واکنشی آن در زندگی سیاسی جامعه مان اهمیت می یابد.

ولی پیش از پرداختن به این نکته ضروری میدانم اشاره ای نیز به شرایط بین المللی داشته باشم، زیرا درک روندهای اساسی جهانی و ملحوظ داشتن آنها را در تبیین شعار سیاسی مرکزی یک دوره از مبارزه ضروری میدانم. در این رابطه دو نکته حائز اهمیت بسیارند.

اولین نکته بنظر من روند نوین تقسیم کار جهانی است. این روند که بدنبال اهمیت یافتن بخش خدمات و تکنولوژی پیشرفته در کشورهای صنعتی آغاز گشت و با انقلاب صنعتی نوین شدت یافت، از اواخر سالهای شصت، مسئله ایجاد بازارهای متناوب و بعبارتی صنعتی شدن بدوی کشورهای پیرامونی را نیز در دستور قرار داد.

از همان زمان در بین طراحان استراتژیک غرب، در مورد چگونگی ایجاد این بازارها دو نظر اساسی متفاوت وجود داشته، که بطور ساده میتوان آنها را بصورت زیر بیان کرد. استراتژی مدرنیزاسیون از بالا و یکمک دولت های مقتدر و مستبد و در بسیاری موارد نظامی و یا استراتژی زمینه سازی پیشرفت صنعتی از راه فرم های اجتماعی و نتیجتاً تقویت دولت های کمبایش دموکراتیک.

در شرایط وجود جنگ سرد و رقابت دو بلوک شرق و غرب، استراتژی مدرنیزاسیون از بالا که بیشتر از جانب جناح های غالب آمریکائی و نیروهای محافظه کار دیگر کشورهای صنعتی دنبال می شد، بر استراتژی دوم که طراحانش عمدتاً در بین الملل سوسیالیستی و حزب دموکرات آمریکا متشکل بودند، چیره بود. ولی بتدریج نقاط ضعف اساسی این سیاست، که عمدتاً در پیدایش و شکل گیری الیگارشی هائی در کشورهای پیرامونی نمود می یافت، که بیش و پیش از هر چیز به کسب ثروت و سرمایه گذاری، نه در کشورهای خود، که در کشورهای صنعتی مشغول بودند، و تنش های اجتماعی ناشی از این سیاست، بر ملا گشت. سطح بالای تره های خارجی کشورهای پیرامونی و شدت یابی روند تغیر که این الیگارشی ها مسبب آن بودند، مسئله ایجاد بازارهای جدید را بشدت زیر سوال برد.

در چنین شرایطی استراتژی بدیل، یعنی تکیه بر فرم های اجتماعی و تقویت دولت های حامل این فرم ها، بصورت یک روند اساسی، ولی پر پیچ و خم، برتری یافت و همین روند روی کار آمدن رژیم های نسبتاً دموکراتیک را در بسیاری از کشورهای اصلی پیرامونی، تسهیل نمود.

با روی کار آمدن گارچاف در اتحاد شوروی و روندهای ناشی از آن و بلاموضوع شدن رقابت شرق و غرب و جنگ سرد، این نظریه به نظریه غالب در بین طراحان استراتژیک غرب تبدیل شده و در برجسته شدن توجه به امر حقوق بشر در کشورهای پیرامونی نمود خارجی یافته است.

نکته دوم حائز اهمیت تاثیر فروپاشی بلوک شرق و بلاموضوع شدن رقابت شرق و غرب بر رژیم های مستبد و هلت وجودی آنهاست. بدنبال این فروپاشی نه تنها رژیم های مستبد با اصطلاح ضد کمونیست، که رژیم های مستبد به اصطلاح ضد امپریالیستی نیز، اهمیت و توجه وجودی خود را از دست داده اند و نمیتوانند همچون گذشته روی پشتیبانی این یا آن بلوک قدرت حساب کنند.

این روند از یکسو موجب کاهش و در مواردی حتی فقدان پشتیبانی خارجی از جنبش های مسلحانه ترقی خواهانه گشته و از سوی دیگر امکان کنار زدن کمبایش مسالمت آمیز رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر دیکتاتوری رافزونی بخشیده است.

آنچه در بالا بصورتی فشرده و ساده و بدون توجه به فراز و نشیب ها و پیچ و خم های بسیار، درباره روند سیاسی غالب در جهان آمد، امکان کنار زدن کمبایش مسالمت آمیز رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر می کند. در این رابطه هر چند استقلال رژیم همواره باید مدنظر باشد، ولی تاکید بر این نکته نیز ضروری است که این استقلال با توجه به گسترش اجتناب ناپذیر روابط بین المللی رژیم برای غلبه بر مشکلات اقتصادی، ضرورت یافتن جایگاهی در تقسیم کار جهانی از یکسو و گسترش نقش ارتباطات و رسانه های همگانی همومی و نتیجتاً گسترش تاثیر افکار همومی بر روندهای سیاسی، نسبی است و بجمان میزان که رژیم بیشتر از پیش از پیله خود بدر آید، کمتر میشود.

ادامه دارد

مقابل با اغتشاشات درونی می نماید، ولی کماکان مجبور است، که پایگاه توده ای، هر چند کوچکتر شده خود را مدنظر داشته باشد. در این رابطه رژیم با معضل سخت سر دیگری روبروست. بخشی از این پایگاه، بخش بسیار قلیل آن، از قبل رژیم جمهوری اسلامی به ثروت های کلان رسیده است و بخش دیگر، یعنی بخش عظیم پایگاه توده ای رژیم، بشدت از روند تغیر در رنج است. و این هر دو سخنویان خود را در هیات حاکمه دارند.

۵- بازسازی و خروج از بحران اقتصادی همیق و گسترده ای که رژیم با آن روبروست، خود معضلات دیگری برای رژیم فراهم می آورد.

رژیم برای غلبه بر بحران اقتصادی به متخصصین و نیروی کار کارآمد نیاز دارد، ولی سیاست های آن این نیرو را مرتباً فراری می دهد. حفظ این متخصصین در دو صورت ممکن است. یا پذیرش دخالت فعال آنها در تعیین سیاست ها که این دخالت به حیطه های تخصصی محدود نخواهد ماند و به هر سه سیاست کشیده خواهد شد، و یا آزاد گذاشتن اینان در بهره برداری از درآمدهای ناشی از تخصصشان و ایجاد یا پذیرش وجود هر سه های متنوعی از فرهنگ مصرفی و پذیرش عدم دخالت در زندگی و منش و رفتار خصوصی اینان. این هر دو کماکان از عمده رژیم خارج است. نتیجه اینکه این نیرو مرتباً به نسبت بیشتری به خارج از کشور روی می آورد و به نسبت بسیار کمتری از خارج به داخل باز میگردد.

معطل بکار افتادن سرمایه های سرگردان، در خرید و فروش و سوداگری و دوری آنها از تولید وضعیت نیز از همین دست است. این سرمایه ها تا زمانی که امنیت و قانونیت نباشد، جز در پروژه های کوتاه مدت، که عمدتاً خصلت تجاری دارند، بکار نخواهند افتاد. و تازه اگر امنیتی نسبی برای سرمایه فراهم آید ولی این امنیت فاقد چشم انداز درازمدت باشد در آن صورت فشار به بازار ارزی برای تبدیل ریال به ارز و فراری دادن آن از کشور شدت خواهد گرفت.

با این دو ضعف بنیادین بزرگ، فساد بزرگ نیز افزوده می شود و این هر سه رژیم را در مقابله با بحران اقتصادی در وضعی شکننده قرار می دهد. فساد گسترده همراه با فشار و سرکوب، اعتماد به دین و بویژه به روحانیت را در جامعه بشدت متزلزل کرده است. بجزرات میتوان گفت که در هیچ زمانی در تاریخ اخیر کشور ما مسئله دخالت آخوند و ملا در سیاست با چنین اپوزیسیون اجتماعی گسترده ای روبرو نبوده است. این واقعیت موجب گشته که نیروی اصلی حامل این رژیم، یعنی روحانیت شیعه، در درون خویش دچار تناقضات شدیدی گردد و بخش گسترده ای از آنان را از این حکومت و اصولا از اندیشه حکومت روحانیون در جامعه، دورتر نماید. این قول از آقای منتظری به خامنه ای، که "ملت، به من اعتماد دارد و نه به شما"، اگر درست باشد، بسیار گویاست. تشدید این روند، رژیم را در وضعی شکننده تر قرار میدهد. چرا که امکانات ارتباط زنده اش با مردم علیه آن عمل خواهند کرد.

۷- مسئله ارتباط با جهان خارج و بویژه غرب برای غلبه بر بحران اقتصادی نیز یکی دیگر از معضلات بنیادین این رژیم است. این رژیم تا زمانی میتواند نسبت به روندهای جهانی و افکار همومی جهان بی اعتنا باشد، که بتواند کمبایش متکی به خود بوده و در بین نیروهای مختلف جهانی مانور کند. نزدیکی روز افزون به غرب، در شرایط ضعف شرق، این توان را از رژیم تاحدزیادی سلب می کند. شاید پذیرش قطعنامه محکومیت رژیم در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، توسط نماینده خود رژیم، پذیرش گالیندوپل در ایران، نشانه هائی از این عدم توانائی باشد.

بنظر من نکات بالا نشانگر این واقعیت اند، که این رژیم علیرغم سرکوب و کشتار از لحاظ درونی وضعیت تر از آنست که جلوه می کند. البته من به جواب دیگر ضعف رژیم، نظیر اغتشاش در دستگاه دولتی، ناروشنی وظایف، تداخل مسئولیتها، اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، نپرداختم، چون اینها را معضلات بنیادین نمی دانم و چرا که در همین شرایط هم حل شدنی هستند. این را نیز بگویم که من از ضعف استراتژیک رژیم صحبت می کنم و نه از ضعف مشخصی. زیرا ضعف مسئله نسبی است و یکی از عناصر تعیین کننده آن، مسئله ضعف یا قدرت اپوزیسیون است. البته زمانیکه اپوزیسیون نه بصورت یک بدیل سیاسی جدی وجود دارد و نه از نیروی اجتماعی چشمگیری برخوردار، رژیم

باخوانندگان

تشکر!

کارکنان نشریه کار، از همه دوستان، علاقمندان و خوانندگانی که با ارسال نامه و کارت، فرا رسیدن سال نو را به ما تبریک گفته بودند، صمیمانه سپاسگزار می‌نمایند و متقابلاً سالی ترین با موفقیت و پیروزی برای همه آنجا و تمامی خوانندگان آرزو می‌کنند.

توضیح و درخواست

در نشریه، مفید بودن موضوع، کوتاه بودن آن، کیفیت مناسب و بالاخره تکراری نبودن مضامین در نظر گرفته خواهد شد. نامه‌هایی با مختصات فوق برای چاپ در حیطه اختصاصی نخواهند داشت. برای تسهیل کار، خوانندگانی را که برای ما نامه می‌نویسند، به رعایت نکات زیر دعوت می‌کنیم:

- ۱- نامه‌های خود را حتماً با امضا برای ما ارسال نمایید، در صورت امکان برای نوشته خود نیز نامی انتخاب کنید.
- ۲- اسم و آدرس خود را علاوه بر پشت پاکت در پائین نامه نیز قید کنید.
- ۳- برای تسهیل کار دسته‌بندی و آرشیو، لطفاً نامه‌های خود را روی کاغذ به قطع ۴ برای ما ارسال دارید.
- ۴- برای ما امکان پس فرستادن مطالب رسیده وجود ندارد. در صورتی که به اصل مطلب خود احتیاج دارید، یک نسخه از فتوکپی آن را ارسال دارید.

باتشکر، سرویس باخوانندگان

دل باختگان چون به سخن باز آیند

قاصد عشق شوند و گواهی بر آفاق

اندیشی، چیز دیگری به همراه نیاوردند، نونجان باغ میهن را نیز خشکانند که مبادا تونمندی اینان سایه افزوتتری بر سیاهی آنان افکند. در این میان محدود کسانتی نیز از ما قدم به اشتباه برداشته و فانوس دستانی شدند که به جای روشنائی راهشان، به تاریکی مطلق گرائیدند. امروز ما با چهره‌هایی شکسته، دل‌هایی چرکین از این سیاه اندیشان داریم، چرا که چون طناب داری در گردن به آنان آویخته بودیم. حال من هاء، ماه‌ها شده و یکی‌ها با چندتا به شمارش آمده و دیگر قدم‌هایمان از سستی گذشته بدر آمده و راسخ‌تر در پیمودن آینده‌اند، چرا که اینبار "بلوغ فکری" این هرق جبین مبارزه را نیز به همراه خود داریم. حال دیگر شکی در انتخاب مسیر خود نداریم، چرا که روشنائی گواه آن بوده و تاریکی و تاریک‌اندیشان را با ما راهی نیست. پس بیایید، بار دیگر این چند پله باقی مانده به طالع‌را نیز، به همراه بیبیماییم، چرا که پیروزی از آن ماست!

فرهادکشمند

سالیان سال است که علیه ستم و نادانی در سنگرها نشسته و مبارزینی هستیم که همواره در خط‌اول پیگار بوده‌ایم. محک عشق سیاسی ما، گواهی بیست ساله دارد. هنوز بار و بندیل راه خود را از دوش‌هایمان پائین نگذاشته و گرد و خاک سالیان گذشته بر چهره‌هایمان به یادگار همراه است. در طول مسیر رسیدن مان به سر منزل مقصود، چه سختی‌ها و رنج‌ها که نکشیده‌ایم و چه بسا به دنبال همای سعادت ملت خود، هنوز هم که هنوز است در جهان سرگردانیم. ما جوانی خود را با مذلت آغاز نمودیم، نوجوانانی چشم و گوش بسته بودیم، ولی هر لحظه که بر ما گذشت، بر تلک شناخت ما نیز، سکه تجربه دیگری افزوده گشت. جمله ایرانیانی بودیم که پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را اولین خود دانسته، خواستیم با کرداری نیک عمل کرده، پنداری در تطابق دانش خود داشته و شنیدیم؟ جنگ، سرکوب، دستگیری، شکنجه، اختناق، اعدام، ...

فناصیان که به جز نکبت و بدبختی، جمل و سیاه

موضع‌تان را روشن کنید!

روزنامه‌نگار مصری (داشتید) که تا به حال این موشک‌های اسرائیل بوده است که اهراب را از بین برده است، جالب برعکس این موشک‌های عراقی است که مردم اسرائیل را از بین می‌برد و خوشحالی مردم عرب. این موضعگیری آیا همان ادامه دیدگاه تفکر

در بحبویه جنگ خلیج در یک شماره نشریه‌تان در رابطه با ذهنیت تفکر عربی راجع به پرتاب موشک‌های عراقی به خاک اسرائیل و اظهار هلاک و خوشحالی ذهنیت عربی راجع به این موشک باران‌ها و ترجمه کوتاهی یا نقل کوتاهی از تفکر یک

هواگر ایانه (پوپولیستی) نیست؟ شما در تحلیل مرکزی سازمان موشک باران عراق را به خاک اسرائیل و مردم اسرائیل محکوم کردید ولی از طرف دیگر احساسات این مردم عرب را که خوشحال از این مقابله به مثل هستند درج می‌کنید بدون اینکه موضع قطعی خودتان را بیان کنید. شما با درج این نظرات و محکوم کردن همزمان این موشک باران، موضع لرزان و دوپهلوی به نفع هر دو طرف طلبانه خود را نشان دادید. جنگ به مثابه راه‌حل مسایل اگر واقعی و جدی محکوم است، محکوم است متقابلاً احساسات و سطحی دیدن سرکوب متقابل و تایید آن. به عنوان آخرین کلام خیلی سنگین تر و درست‌تر می‌باشد که اعتراف کنید نمیدانیم چه موضعی بگیریم ...

از آخن - ۱۰ مارس

(متأسفانه نام نویسنده نامه فوق خوانا نبود)

پاسخهای کوتاه

* دوست عزیز فرهاد- از واحد بلیز: پیشنهادات و تذکرات شما در مورد دوره جدید انتشار نشریه کار را چنانکه ملاحظه می‌نمائید بخشا عملی کرده‌ایم. برخی پیشنهادات نیز بتدریج و با جا افتادن بیشتر نشریه عملی خواهند شد. در مورد نواقص فنی نظیر افراط چاپی و... ما خود نیز به نقایص کار و اتقینم و تا جایی که امکان پذیر باشد می‌کوشیم آنجا را بر طرف سازیم. در این زمینه کمبود امکانات و نیروی انسانی بر کیفیت کار تاثیر نامطلوبی می‌گذارد. دوست عزیز، نامه‌های خود را برای هفته نامه کار به آدرسی که در نشریه درج می‌شود، ارسال کنید، به دست ما خواهد رسید. تقاضای شما در مورد ارسال نشریات قبلی در اختیار بخش توزیع قرار داده‌ایم و پیشنهاد

توضیح نشریه کار: "موضع قطعی" مادر مورد جنگ خلیج فارس و موشک باران شجرها روشن است و تقریباً در تمامی شماره‌های نشریات ما بازتاب یافته است. اعتراض این خواننده عزیز ظاهراً متوجه درج مقاله‌ای در نشریه اکثریت است که به انعکاس احساسات و روحیات مردم عرب نسبت به موشک باران اسرائیل پرداخته است. ما چندین بار اعلام کرده‌ایم که خط مشی مطبوعاتی ما - به ویژه در مورد اخبار و رویدادها- این نیست که تنها به درج مطالبی اکتفا کنیم که با موضع ما هم خوانی داشته باشد؛ ما انعکاس رویدادهای جنگ و از جمله نظرات و روحیات مردم عرب را وظیفه خود می‌شماریم و تا آنجا که امکاناتمان اجازه می‌داده این وظیفه عمل کردیم.

شما در مورد طرح کار پایه تشکیلاتی را نیز در اختیار کمیسیون مربوطه قرار می‌دهیم. * دوست گرامی، باقر-م، تورتو، نامه و تذکرات شما را برای رفقای شهر تورتو خواهیم فرستاد. همراه با شما از کلیه دوستانی که به ترجمه مقالات و اعلامیه‌های سازمانی اقدام می‌کنند، می‌خواهیم که در این کار حداکثر دقت را رعایت نمایند. * دوست ارجمند- علی، ترجمه مطلب "طرح صلح گالتون عقب نشینی و مذاکره" دریافت شد. * دوست عزیز سمیل مرادی- سوئد، ۳ ترجمه به نام‌های کشورهای جدید صنعتی- جنگ داخلی آمریکا و ژاپن و گزارش مستندی از وضعیت داخلی آمریکا به دست ما رسید. ما کلیه ترجمه‌های رسیده را در اختیار واحد ترجمه قرار می‌دهیم. * دوست ارجمند: م، رئیس، نامه شما را برای رسیدگی در اختیار مسئولین مربوطه قرار دادیم.

گفت شیخا! و در خوب آورده‌ای

دید. نامه‌ای برای آقایان روانه و تلاش کرد تا با دادن اسم و آدرس اعلامیه‌ها و مقالات، به برادران کیهان نویسنده تفهیم کند که دست از شوخی‌های سبک بردارد. انتظار می‌رفت کیهان هوایی بعد از دریافت این نامه، در مقام پوزش خواهی از خوانندگان خود برآید. اما چنین انتظاری ناشی از سادگی ما بود. کیهان برای آنکه آب پاکی را روی دست همه بریزد، اینبار تیتیر زد که "ندائیان اکثریت در تلاش برای تصحیح مواضع"!! معلم بچه‌ها را برای گردش به خیابان برد. بچه‌ای که محو تماشای زرق و برق و پتیرینا شده بود از قافله جاماند. پلیس از بچه علت سرگردانیش را پرسید و بچه جواب داد: معلم و هم کلاسی‌ها گم شده‌اند! کیهان هوایی ما که از قضا به تدو توارداش هم می‌آید، در خانواده مطبوعات حکومتی، نقش همان بچه را دارد. اگر هزار بار هم گم شود، باز چشم در چشم خلق الله میگوید که بقیه گم شده‌اند. کیهان نویسان عزیز! شما در اینکار که خم به ابرو نیاوردید و هر چه دل تنگتان می‌خواهد، بگوئید، استاید. اما این یک بار را قبول نفرمائید که: سوراخ دعا گم کرده‌اید. احمدزمانپور

ماجرای این قرار، اوست بدمام کویت را گرفت و با شش منطقه لشکر کشید، و بعد چنانکه افتدو دانی. جماعت "سیاسیون" مسابقه موضع‌گیری را آغاز کردند. رفسنجانی پس از مدتی گنج خوردن بالاخره به موضع حافظ‌اسد پیوست و با گفتن اینکه اول باید بجانه حضور آمریکائیان از بین بروی، به لشکرکشی بوش ضمه گذاشت. در مقابل، محتشمی که حضرت امام از شامه تیزش تعریف‌ها کرده بود، بوی کباب شنید و برای "خالدین ولید" هورا کشید، غافل از آنکه سرمختر باشی عالم دارد جناب خالد را به جرم خیریت زیادی داغ میکند. صحنه مسابقه در اپوزیسیون هم گرم و پر شور بود. جماعت شاه‌الهی "فرش و نالش" پیشه کرد: فرید که ببینید ضرب شصت ارباب مارا! و نالید که رئیس، نوکر نوازی نمی‌کند و آخوند شیخو را بر ما که همری خانه‌زادش بودیم ترجیح می‌دهد. در آن سو هم اصحاب کهنف از خواب گران برخاستند و نغمه جنگ خلق‌های فلان و بهمان علیه امپریالیست ایضاجمان و فلان را سردادند. در این بین شورای مرکزی ما هم موضع‌اش را اعلام کرد. حساب شورا که اهل "سیاست" مشدد نیست، ساده بود: دزدی وارد نرنگاه خصوصی ارباب شد و ارباب که از پیش منتظر فرصتی بود که از خلایق نسق بگیرد، بجانده را

و اداری می‌کنند که این دنیای بیج در پیچ را همانگونه که هست ببیند و با همیشه‌و دواع کند. دوست من: دلم می‌خواست راجع به هر فصل کتاب جدائانه بنویسم ولی چنین کاری در نامهای به تو که کتاب را برای فرستادی، مسخره است. اما اگر از من بپرسی که جالب‌ترین فصل کتاب کدام بود، به عنوان یک جنوبی متعصب خواهم گفت آنجا که رابطه الکترونیک و دنیای سوم را به بحث گذاشت. وقتی این فصل را می‌خواندم مثل مادری که به دیدن مسابقه پسرش رفته باشد، دلم تاپ تاپ می‌کرد. آیا ما جنوبی‌ها می‌توانیم بدون آنکه مراحل صنعتی شدن را مثل دنیای صنعتی امروز تک- تک طی کنیم، دستاوردهای امروزی علم و فن را و به طور مشخص‌تر کامپیوتر و الکترونیک را جذب کنیم؟ تافلر در این فصل به این سوال در مجموعه جواب مثبت داد. چه می‌توان کرد؟ همری است که با فال حافظ خور کرده‌ایم و حالا که از دیوان خواجه آبی گرم نمی‌شود، جواب مثبت تافلر به اینکه تمدن موج سوم به خلق و خوی من شرقی بیشتر سازگار است و می‌توانیم با حداقل بنیه صنعتی هم راهی عصر الکترونیک شویم، حداقل این فایده را دارد که انسان را امیدوار نگهدارد و آدمی به امیدزنده است و از جمله به امید دیدار دوستان. غربتی

دوست عزیز... بعد از سلام، ممنون به خاطر کتابی که فرستادی. می‌گویند: روزی گاوی در باغ وحش تنجایی می‌خندید. هلش را پرسیدند کاشف به عمل آمد که یکی از اهالی باغ وحش چند روز پیش لطیفه‌ای تعریف کرده و زبان بسته تازه معنی‌اش را فهمیده. حالا حکایت ماست که همیشه یک چند سالی - دست کم - از زمانه عقیم آن وقت که "موج سوم" درآمد حتی به صرافت ورق زدنش هم نینتادم. آخر اسم تافلر "اوف" و "ایچ" نداشت و آدمی هم که اسمش بی "اوف" و "ایچ" باشد حرفی برای گفتن ندارد. بخصوص که آمریکایی هم باشد. حالا کتاب را خواندم. فی‌الواقع چند ده صفحه اول را خواندم و باقی را بلعیدم. به گمانم این را از خدا بیامرز صمدبهرنگی خوانده باشم - شاید هم او از دیگری نقل کرده باشد - که هر کتابی به یکبار خواندنش نمی‌ارزد، چرا که کتاب زیاد است و هم آدمی کم و انتخاب ناگزیر. با این منطبق هم، کتاب تافلر - حداقل برای مثل من آدمی که سرش به تنش چسبیده و هر دفعه که می‌خواهد زاویه دیدش را عوض کند، مجبور است، مثل گراز تمام جده‌اش را بچرخاند - به بیش از یکبار خواندنش نیاز دارد. نه به این دلیل که انجیل تازه‌ایست که می‌تواند جانفشین مجموعه آثار

برنامه ضربتی گار باچف

برای مهار بحران در شوروی

در شوروی، به ویژه در نواحی سیبری، روسیه سفید و گرجستان موج نیرومندی از اعتصابات کارگری برپا گشته است. در روز چهارشنبه هفته گذشته (۱۵ آوریل) در شهر مینسک پایتخت روسیه سفید در حمایت از اعتصاب کارگران ذغال سنگ اعتصاب عمومی برپا شد. اعتصاب کنندگان در تظاهرات عظیمی که برپا کردند خواهان برکناری گورباچف شدند.

در همه جا مذاکرات دولت مرکزی و یا دولت جمهوریها با اعتصاب کنندگان با شکست مواجه شده است. خواست اصلی کارگران اعتصاب کننده افزایش دستمزدهایشان است. نیروهای طرفدار یلتسین رئیس جمهور روسیه بر شدت اختلافات می افزایند و امیدوارند از این طریق بتوانند زمینه سرنگونی گورباچف را فراهم کنند. گورباچف برای مهار بحران که اعتصابات کارگری یکی از

نمودهای آن است، یک طرح ضربتی آماده کرده که منوعیت اعتصاب یکی از مواد آن است. این طرح در هفته جاری در پارلمان شوروی به بحث گذاشته خواهد شد. مواد اصلی این طرح از این قرارند:

- ثبات بخشیدن به اوضاع از طریق منع اعتصابات تا پایان سال ۱۹۹۱.
- تعیین قیمت ها بر مبنای قانون بازار تا اول اکتبر ۱۹۹۲ و انطباق دادن دستمزدها با رشد قیمت ها.
- تدویم سیاست خصوصی کردن بنگاههای دولتی که ضرر می دهند.
- پایان دادن به حالت انحصار تجارت و توزیع در دست دولت.
- قابل رقابت کردن روبل با ارزهای خارجی. اعمال تمهیدهای ضد تورم و کاهش واردات تا پایان سال ۱۹۹۱ به میزان ۱۵ درصد.
- جذب سرمایه های خارجی.
- سیاست صرفه جویی در

بودجه دولتی و متوقف کردن سرمایه گذاری های دولتی.

- معلق کردن آن دسته از قوانین و تصمیمهای جمهوریها و مقامات محلی که با سیاست مرکزی همخوان نیستند.
- جمهوری هایی که مخالفت ورزی کنند از دریافت کمک مالی از دولت مرکزی محروم خواهند شد.
- اعمال کنترل دقیق دولتی بر روی تولید و توزیع مواد مصرفی مردم.
- سازماندهی برای جمع آوری محصولات کشاورزی و تخصیص تعداد بیشتری کارگر و سرباز برای این منظور.
- کمک به بالا رفتن تعداد و حد مشارکت تولیدکنندگان و توزیع کنندگان خصوصی مواد غذایی.
- کاهش بودجه نظامی و استفاده از تاسیسات نظامی برای امورات اقتصادی.

اطلاع پیرامون اهداف واقعی اسرائیل به دیدار بیکر رفتند. این هیات فلسطینی پس از ملاقات با بیکر در مورد برگزاری کنفرانس منطقه ای اظهار بیعتی کرد. به عقیده اعضای این هیات، چنین کنفرانسی تنها به سود کشورهای عربی خواهد بود و مسئله فلسطینی ها را حل نشده باقی خواهد گذاشت. این سیاستمداران فلسطینی گفتند که برگزاری یک کنفرانس بین المللی را ترجیح می دهند.

دولت اسرائیل در آستانه ورود بیکر به این کشور اعلام کرد بیش از هزار زندانی فلسطینی را در اواخر فروردین آزاد خواهد کرد.

به گزارش رادیو اسرائیل، عربستان سعودی در رابطه با اقدامات جدید آمریکا در خاورمیانه به رسمیت شناختن اسرائیل را بررسی می کند. این گزارش به نقل از منابعی در وزارت خارجه مصر می افزاید شاهرزاده سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان می خواهد طی دیدار خود از مصر پیرامون این امر با حسنی مبارک رئیس جمهوری این کشور گفتگو کند. دیدار وزیر خارجه سعودی از مصر هفته گذشته انجام شد. همزمان با این دیدار، بیکر نیز سفری به قاهره داشت و با وزرای خارجه مصر و عربستان ملاقات کرد. پس از این ملاقات اعلام شد مصر و عربستان سعودی با طرح آمریکا برای برگزاری یک کنفرانس منطقه ای موافقت کرده اند.

تا هنگام تنظیم این گزارش، موضع سوریه در قبال طرح آمریکا روشن نشده بود. روزنامه البعث ارگان حزب حاکم این کشور در آستانه سفر بیکر به دمشق نوشت هر راه حلی که بر مبنایی به غیر از قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت تحقق پذیرد، محکوم به شکست است. دولت سوریه قبل از سفر بیکر پس دادن سرزمین های اشغالی توسط اسرائیل را شرط اجتناب ناپذیر برقراری صلح در منطقه دانست.

به گزارش رادیو ارتش اسرائیل، این کشور با آمریکا توافق کرده است که به ساف اجازه شرکت در کنفرانس منطقه ای

نیویورک تایمز :

رفسنجانی می خواهد ایران را دو باره

به یک "قدرت مسئول" تبدیل کند

گفته گذشته روزنامه نیویورک تایمز مقاله ای در باره اوضاع فعلی ایران چاپ کرد که بازتاب نگرش غرب به تحولات جاری در کشور ماست. نظر به اهمیت این مقاله، بخشهایی از آن را چاپ میکنیم.

به نظر می رسد انقلابی که جامعه باز و متمایل به غرب ایران را به یک جمهوری اسلامی ستیزه جو تبدیل کرد، روبرو انول نهاده است.

پس از ۱۲ سال حکومت روحانیون رادیکال مسلمان، یک جنگ هشت ساله آغاز شده از سوی عراق، سرکوب خشن اقلیت های مذهبی و مخالفان در داخل و یک دهه نابسامانی و ندانم کاری اقتصادی، جنبه های سرکوبگر انقلاب کاهش می یابد و ظواهر توجه کمتری به ایدئولوژی میشود.

با این حال، وحشت و سواظن به بیگانگان و خودی ها، کماکان حاکم است. اما حامیان هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور می گویند او مصمم است به انزوای کشور خاتمه داده، ایران را دوباره به یک قدرت مسئول تبدیل کند.

تلاش های آقای رفسنجانی در جامعه ایران تنش هایی ایجاد کرده است زیرا طرفداران انقلاب مقاومت می کنند.

مقامات ایرانی در توضیح اوضاع برای خارجی ها انکار می کنند که انقلاب، شور خود را از دست داده است. علی اصغر فرامرزیان، مدیر کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی می گوید: "هلاقه به انقلاب کماکان موجود است، به ویژه در میان جوانان، اما به گونه ای منطقی تر."

اما شهرزادان ایرانی، مقامات، دیپلمات ها و بازرگانان خارجی می گویند تغییرات مهمی صورت گرفته است.

آنها به عنوان نمونه از کشایش ایران به سوی غرب در سیاست خارجی، تلاش آن برای با صرفه کردن و خصوصی کردن شاخه های کلیدی اقتصاد و کاستن از سرکوب سیاسی به عنوان شاخص های یک تلاش بسیار محتاطانه اما مصمم از سوی آقای رفسنجانی جهت میدان دادن به پراگماتیسم و منافع ملی برای ثلثه بر ایدئولوژی مذهبی در این ملت ۵۵ میلیونی، نام می برند.

یک دیپلمات می گوید: "این انقلاب به طور نهایی سپری شد. مرگ انقلاب، یک ماه پیش بود، زمانی که عراق اماکن مقدس در نجف و کربلا را بمباران کرد بدون اینکه ایران پاسخی بدهد. مرگ آن زمانی بود که عراق کشتار شیعیان را آغاز کرد و حتی یک راهپیمایی اعتراضی در این جامعه اکثر اشیعه صورت گرفت، و تنها صدای خفیف و با تاخیری از رهبران آن شنیده شد. مرگ آن زمانی بود که این

یک دیپلمات می گوید: "او یک دهه و حداکثر دو دهه فرصت دارد که ایران را بازسازی و اصلاح کند. اگر چنین نشود ایران علیه تمدن قابل توجه، منابع انسانی عظیم و ثروت نفتی خود به یک پاکستان یا مصر تبدیل خواهد شد."

تحوالات بیش از همه در سیاست دولت بازتاب می یابد. آقای رفسنجانی گام های بزرگی در پایان دادن به انزوای ایران و به گفته یک دیپلمات، کنار زدن "دست سنگین سوسیالیسم اسلامی" که قدرت حیات کشور را ضعیف کرده است، برداشته است:

او مناسبات با چندین کشور اروپایی را دوباره برقرار کرده، اغلب اختلافات ایران با دیگر کشورها را به جز با واشنگتن حل کرده است.

آقای رفسنجانی روابط دیپلماتیک با چند عضو ائتلاف اعراب در جنگ خلیج به رهبری آمریکا را برقرار کرده و یادر حال برقراری آن است.

بانک جهانی اخیراً یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری به ایران موافقت کرد. این نخستین وام خارجی ایران پس از انقلاب است و قرار است به تهران در بازسازی مناطقی که طی یک زلزله در سال گذشته ویران شد کمک کند.

ایران فشار خود بر حزب الله لبنان برای آزادی گروگان های فریبی را افزایش داده است.

تیم اقتصادی آقای رفسنجانی به گفته سید محمد حسین هادلی رئیس بانفوذ بانک مرکزی ایران هدف "خصوصی کردن، لیبرالیزه کردن و با صرفه کردن" اقتصاد را دنبال می کند.

برای حل مسئله خاورمیانه داده نشود.

فیصل حسینی رئیس هیات فلسطینی که در بیت المقدس با بیکر دیدار کرد از نتایج این ملاقات اظهار عدم رضایت کرد.

حسینی گفت اختلاف اساسی در اینجا است که فلسطینی ها هدف را تشکیل یک دولت فلسطینی می دانند در حالی که آمریکا از چیزی سخن می گوید که "بیش از خودمختاری و کمترین دولت مستقل" است.

ساف چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد طرح یک کنفرانس منطقه ای با هدف کنار گذاشتن این سازمان به مثابه تنها نماینده قانونی خلق فلسطین و نیز مصوبات سازمان ملل تهیه شده است. یکی از رهبران ساف خواهان برگزاری یک کنفرانس بین المللی شد و گفت برگزاری کنفرانس منطقه ای "احتمال ترین فکر" است زیرا در این کنفرانس آمریکا و اسرائیل با طرف های ذی ربط مذاکره خواهند کرد. وی افزود:

"عربستان سعودی و ابوظبی چه ربطی به مسئله فلسطین دارند؟" یاسر عرفات رهبر ساف روز سه شنبه طی پیامی به فلسطینی های ساکن مناطق اشغالی نسبت به دیپلماسی آمریکا در منطقه اظهار بی اعتمادی کرد.

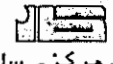
توضیح

متأسفانه در شماره گذشته کار یکی از ارقام شماره حساب بانکی نشریه اشتباه به چاپ رسیده است. در شماره اخیر، تصحیح شده آن درج شده است.

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سیدبانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

KAR Vol.3 No.2 Wed. 17 April 1991	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: Address: M. ABD RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY	آدرس: NR-35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY
کدبانک:	